

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای خبرگان ایرانی

غلامرضا ذاکر صالحی*

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۱

تاریخ بازنگری: ۹۹/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۸

چکیده

هدف این مقاله کشف و تجمیع دیدگاه خبرگان ایرانی در زمینه تعامل علوم انسانی-اجتماعی با جامعه است. مقاله با مرور ایده‌هایی چون علم بومی، علوم انسانی بومی و سپس ایده علم و جامعه آغاز می‌شود و در ادامه دیدگاه‌های پژوهشگران خارجی را در این زمینه می‌کاود. روش مطالعه، تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان از نوع تحلیل مضمون است که از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفته است. سپس نتایج با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل و شبکه مضامین استخراج و ترسیم شد. یافته‌های اسنادی مبتنی بر ادبیات موجود در داخل کشور حداقل پنج پروژه را در ارتباط با علوم انسانی بازنمایی می‌کند: ۱- اسلامی سازی علوم انسانی؛ ۲- بومی‌سازی علوم انسانی ۳- کاربردی سازی؛ ۴- توانمندسازی، مؤثر سازی و سرمایه‌گذاری روی علوم انسانی ۵- تجاری‌سازی و فناوری سازی علوم انسانی. در بخش تحلیل مضمون مقوله‌ها و کدهای انتخابی عبارتند از: رویکرد، تعریف و تلقی خبرگان از جامعه، تجربه پارآکادمی، نقش و کارکرد علوم انسانی-اجتماعی، منزلت علوم انسانی-اجتماعی، شرایط زمینه‌ای برای تعامل، نهادها و ساختارها، ارتباط کنشگران، ترویج و همگانی سازی، ارتباطات و شبکه‌سازی، درگیر سازی مردم، خدمات مشاوره‌ای. در پایان پیشنهاد شد ضمن تکمیل زیرساخت‌های مدیریتی و اصلاحات آموزشی، ترکیبی از راهبردهای ترویج علم، ارتباطات علم، مشاوره علم به دولتمردان و درگیرسازی مردم در علم دنبال شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم اجتماعی، رابطه علم و جامعه، تحلیل مضمون.

بیان مسأله

به اعتقاد محققان اتحادیه اروپا امروزه پیشرفت در دانش و فناوری به بدبینی روبه رشد انجامیده است و تلاش برای کسب دانش دیگر شورمندی چند دهه پیش را ندارد. گسترش علم جدید برپایه توافق نامرئی بین علم و مؤسسات مسئول (دانشگاه‌ها-صنایع-دولت‌ها) از یکسو و بین مردم و جامعه از سوی دیگر می‌باشد. اکنون ضروری است که روابط جدید متناسب با قالب جدید علم، فناوری و جامعه پایه‌ریزی گردد. (EU, 2013)

برای عبور از تنگناها و شکاف‌های موجود بین علم و جامعه دو رویکرد اساسی غالب بوده است:

الف- ایده علم بومی، علوم انسانی بومی

مدت‌هاست که نظریه جهان‌شمولی دانش موردنقد قرار گرفته است. محلی‌گرایان از جمله جانسون در جغرافیا، هاروی در اقتصاد و گیدنز در جامعه‌شناسی بر این نظر تأکید دارند که جغرافیا و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی نقش آشکار و غیرقابل‌تردیدی در تولید نظام‌های معرفت و دانش بشری داشته‌اند. محلی‌گرایی و بومی‌گرایی به الزامات محلی و محیطی در سیاست‌گذاری علمی و سرمایه‌گذاری برای آن تأکید دارد.

برخی پژوهشگران عامل هدف را در تمایز بین علم غربی و علم بومی اساسی دانسته‌اند. به این معنا که هدف علم غربی تولید دانش برای پیشرفت جامعه و هدف علم بومی، تولید دانش برای پیامدها و نتایج فرهنگی خاص به‌منظور حفظ جامعه تلقی شده است.

در گزارش دیگر از دانش سنتی^۱ به‌عنوان مجموع دانش فنی و تمرین‌ها و مصداق‌های حفظ‌شده و توسعه‌یافته توسط افراد در طول تاریخ که نتیجه تعامل با محیط طبیعی است یاد شده است. (ICSU, 2002) در همین گزارش از دانش عامه^۲ و دانش قومی نیز سخن گفته شده است.

پژوهشگری دیگر در پایان‌نامه دکتری خود تحت عنوان «روش‌های دانستن: علم بومی» به شناسایی مسئولیت‌های پایه و اساسی افراد که هویت آن‌ها را می‌سازد پرداخته

1. Traditional Knowledge

2. Folk- knowledge

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۵۷

است و تلاش دارد با طرح مسأله استعمارزدایی به بازسازی روش‌های رسیدن به دانش (دانستن) بپردازد. (Bastien, B, J.1999)

محقق دیگر، علم بومی را این‌گونه تعریف کرده است: علم بومی به دانش علمی بلندمدت که معمولاً به صورت شفاهی در فرهنگ افراد وجود دارد، هم‌چنین دانش علمی تمامی افراد به‌عنوان مشارکت‌کنندگان یک فرهنگ که تحت تأثیر دیدگاه جهانی و علائق نسبی جوامع بومی خود هستند ارتباط دارد (Snively. & Corsiglia, 2001)

اکثر محققان دیگر نیز علم بومی را مترادف تجارب زیسته مردم محلی در زمینه‌های مختلف زندگی می‌دانند و از آن به‌عنوان روشی برای درک جهان یاد کرده‌اند که کل‌نگر است. (Michie, 2002)

دانش محلی و بومی اشاره به درک‌ها، مهارت‌ها و فلسفه‌هایی است که توسط جوامعی با سابقه طولانی در تعامل با محیط طبیعی خود ایجاد شده است.

برای مردم بومی، دانش محلی تصمیم‌گیری را در مورد جنبه‌های اساسی زندگی روزمره اطلاع می‌دهد.

این دانش برای مجتمع فرهنگی که شامل زبان، سیستم‌های طبقه‌بندی، شیوه‌های استفاده از منابع، تعاملات اجتماعی، آیین و معنویت است، یکپارچه است. این روش‌های منحصر به فرد شناخت جنبه‌های مهم تنوع فرهنگی جهان است و پایه و اساس توسعه پایدار محلی را فراهم می‌آورد. (ICT, 2018)

دانش محلی و بومی به لحاظ فرهنگی مکان‌مند است و بیشتر به‌عنوان یک محصول اجتماعی دانسته می‌شود لذا برخی آن را دانش نظام‌های اجتماعی گفته‌اند. (Antweiler, 1998)

پژوهشی دیگر به ارزیابی مکانیک کوانتم و علم مقدس و بومی به‌منظور پی‌بردن به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازد. (Ferguson, 2005)

اما اسناد و بیانیه‌های یونسکو رویکردی جامعه‌شناختی داشته و از التزام اجتماعی^۱ علم سخن گفته شده است. دیگران از علم ملی^۲ یاد کرده‌اند. بریان مارتین (۲۰۰۸) استراتژی‌هایی برای علم جایگزین^۳ پیشنهاد داده است.

1. Social stancibility
2. National science
3. Alternative science

اسکات و گیبونز علم سبک ۲ را مطرح کرده‌اند که علم حساس به زمینه است. (Scott, 2000) دیگران از محلی سازی علم^۱ و بومی سازی علم^۲ سخن رانده‌اند. با توجه به مطالب فوق، دانش بومی در جامعه ادغام شده است و امری مستقل نیست تا به دلیل تمایزش از جامعه نیاز به تعامل با جامعه داشته باشد؛ اما دانش رسمی می‌تواند با میانجی دانش‌های بومی به جامعه نزدیک شود. موقعیت بافتار و دانش‌های برآمده از آن را بشناسد و برای آگاهی جامعه از علوم جدید از این دانش‌های فرهنگی به‌عنوان واسطه یا فرصت استفاده کند.

درمورد علوم انسانی برخلاف علوم طبیعی و فیزیکی تعداد اندیشمندان موافق با علم بومی بیشتر است. برخی فیلسوفان و اندیشمندان معاصر بین‌المللی با اشاره به اینکه علوم انسانی در روش باید بومی باشد و اینکه علوم انسانی به مسائل مختلف جوامع توجه دارد، تصریح کرده‌اند که علوم انسانی دارای ابعاد بومی و جهانی است. به برخی از این نقطه نظرات به اختصار اشاره می‌کنیم:

ب- ایده علم و جامعه

ایده علم و جامعه از درون تجارب و رویکردهای موجود در کشورهای بزرگ صنعتی زاینده شده است و عمدتاً خاص کشورهایی است که دارای پایگاه تثبیت‌شده‌ای در علم و فناوری هستند. این ایده با مبحث بومی‌سازی علم بیگانه نیست. هدف برنامه‌های علم و جامعه کاستن شکاف ارتباطی بین دانشمندان و مردم است. بدین منظور چهار نوع هدف‌گذاری را می‌توان در کشورهای مختلف شناسایی کرد:

۱- گسترش و تعمیق مفهوم علم و نوآوری علمی در عرصه عمومی

۲- ایجاد تعامل مستقیم و چهره به چهره میان دانشمندان و مردم عادی

۳- آشناسدن مردم با پیشرفت‌های تازه و تازه‌های علمی در جهان

۴- فراهم‌سازی موقعیت برای تعامل نزدیک میان مردان سیاست و دانشمندان

به نظرمی رسد برای مطالعه سیاست‌ها و برنامه‌های علم و جامعه در حوزه علوم انسانی باید به چند حوزه توجه کرد: متن‌های سیاستی و منشورها و راهبردهای مکتوب- مراکز و نهادها و شوراها- نهادهای بین‌المللی- رویه‌های ناشی از فرهنگ‌ها و عرف‌ها و

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۵۹

رسوم-عملکردهای واقعی در صحنه عمل با توجه به تفاوت فرهنگها و کشورها-در نهایت توجه به شباهت‌ها و نقاط اجماع در همه کشورها در حوزه ارتباط علم و جامعه.

مسئله نگارنده این است که علیرغم اینکه کشور ما درون‌مایه‌های عمیق فرهنگی دارد و در زمینه علوم انسانی جامعه‌گرا نیز آموزه‌های تاریخی خوبی وجود دارد، اما هنوز مطالعه جامعی در این خصوص به انجام نرسیده است. در کشورهایی که علوم انسانی مدرن در سده اخیر توسعه یافته است برنامه‌هایی برای گسترش تعامل علم و جامعه تدوین شده که متولیان امر در ایران عمدتاً از مفاد آنها بی‌خبرند.

هدف مطالعه حاضر اکتشاف و دسته‌بندی دیدگاه‌های خبرگان و اصحاب علوم انسانی کشور در خصوص این ایده‌ها و برنامه‌هاست.

مسئله و مشکل دیگر این است که محور اقدامات و تلاش‌ها در ایران برای تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه مبتنی بر توسعه ساختارهای بوروکراتیک و شوراهای نه‌چندان مؤثر و حرکت سندنویسی در غیاب بازیگران اصلی و دانشمندان علوم انسانی و کنترل تحول از بالا به پایین بوده است. در کنار این‌ها مطالعات و پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته که اطلاعات دقیقی از ثمربخشی آنها و مبنای تصمیم‌گیر گرفته آنها در سطوح سیاست‌گذاری در دست نیست.

جدول ۱. چشم‌اندازی از اقدامات ایران

Table 1. Image of Iran's actions

جهت‌گیری	اقدام اساسی	نهاد
گسترش کمی دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم انسانی (همگانی‌سازی) بدون توجه کافی به کیفیت	توسعه آموزش عالی علوم انسانی	وزارت علوم، دانشگاه آزاد اسلامی
تجمع مؤسسات پراکنده و هویت بخشی	تأسیس دانشگاه تخصصی علوم انسانی (علامه طباطبائی)	وزارت علوم
انجام پژوهش‌های راهبردی در زمینه تحول علوم انسانی، گفتمان‌سازی	تأسیس پژوهشکده تحول علوم انسانی با مشارکت دانشگاه علامه طباطبائی	شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم
بازنگری رشته‌ها و دوره‌های آموزش عالی علوم انسانی بر مبنای اسلامی‌سازی، روزآمدسازی و بومی‌سازی چاپ کتاب‌های جدید	شورای تحول و ارتقای علوم انسانی	شورای عالی انقلاب فرهنگی
سیاست‌گذاری برای تدوین نظام جامع پژوهش و فناوری در حوزه انسانی و هنر تعیین راهبردها و ضوابط برای توسعه این علوم	تأسیس شورای توسعه پژوهش و فناوری در علوم انسانی و هنر در وزارت علوم	معاونت پژوهشی وزارت علوم
اجرای مجموعه‌ای از طرح‌های پژوهشی مسئله محور و	طرح جامع اعتلای علوم انسانی	پژوهشگاه علوم انسانی

جهت‌گیری	اقدام اساسی	نهاد
محصول‌گرا و هم‌افزاینه برای افزایش کارایی و بالندگی علوم انسانی در کشور		و مطالعات فرهنگی
تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهش در علوم انسانی	مرکز رشد واحدهای فناور علوم انسانی و اجتماعی	دانشگاه‌های علامه طباطبائی، قم، یزد و...
پیشتازی در منطقه در قلمرو علوم و فناوری پیگیری و تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیوند حوزه و دانشگاه حمایت از نخبگان علمی اسلامی شدن علوم انسانی	تصویب اسناد بالادستی متعدد	عمدتاً شورای عالی انقلاب فرهنگی

منبع: وبگاه وزارت عتف و شورای عالی انقلاب فرهنگی و پژوهشگاه علوم انسانی و...

با توجه به مسائل و مشکلات یادشده، در فرایند این مطالعه پرسش‌های زیر موردتوجه بود تا از طریق مطالعه اسنادی، همچنین مصاحبه با خبرگان بتوان پاسخ آن‌ها را دریافت کرد:

- ۱- خبرگان چه درکی از ابعاد تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه دارند؟
- ۲- برای افزایش تعامل علوم انسانی و جامعه در ایران و افزایش درک اجتماعی از اهمیت و جایگاه علوم انسانی-اجتماعی چه راهکارهایی پیشنهاد می‌شود؟
- ۳- برای ارتقا جایگاه اجتماعی اصحاب علوم انسانی-اجتماعی (متفکران و استادان و پژوهشگران) چه راهکارهایی توصیه می‌شود؟

مرور و ارزیابی انتقادی پژوهش‌های پیشین

در اینجا برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط را در دو بخش مرور می‌کنیم:

الف- دیدگاه‌ها و مطالعات نظری

آنتونی بیگلان^۱ و همکارانش در کتابی با عنوان "آینده علوم انسانی و جامعه"^۲ معتقدند که آینده علوم انسانی به دلیل موفقیت‌های تجربی و سودمندگرایانه بودن آن در حوزه عملکرد، بیشتر بر حوزه پیش‌بینی و تأثیرگذاری متمرکز خواهد بود. علت این امر نیز به پیشرفت‌های محسوسی مربوط می‌شود که در نتیجه دقت، ژرف‌نگری و وسعت توانایی‌های انسان در پیش‌بینی و تأثیرگذاری بر رویدادهای رفتاری مبتنی بر بافت است. نمونه‌های

1. Anthony Biglan
2. The Future of the Human Sciences and Society

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۶۱

عملی موفق در حوزه بهبود وضعیت انسانی با تمرکز بر عملکرد و بافت موجود در آن ممکن است به ترغیب سایر دانشمندان به مشارکت در فرآیندهای شود که برای کسب دستاوردهای مثبت ضروری است (Biglan, 2016: 533). بیگلان همچنین معتقد است که تأکید بیش از پیش بر مؤلفه‌های پیش‌بینی و تأثیرگذاری در پژوهش‌های حوزه علوم انسانی می‌تواند به طرح راهبردهای عملیاتی منتهی شود که پدیده‌های فرهنگی و رفتاری جوامع انسانی را تحت الشعاع قرار دهد. البته نباید این نکته را فراموش کرد که بهبود توانایی‌ها در این زمینه لزوماً به معنای بهره بردن تمام آحاد و گروه‌های انسانی از دستاوردهای محقق شده نیست و ممکن است برخی از گروه‌ها و بخش‌ها جوامع منتفع نشده یا حتی متضرر شوند. بیگلان اشاره می‌کند که برجسته شدن مؤلفه‌های پیش‌بینی و تأثیرگذاری و نتیجه عملکرد حاصل از آن‌ها به احتمال زیاد علاوه بر پیشرفت‌های علمی، ناشی از تکامل جوامع انسانی است که در آن‌ها رفتار انسانی و سازمانی بسی منعطف‌تر و پیچیده‌تر است و ارزش‌ها و هنجارهای متعددی را نیز در بر می‌گیرد (Ibid: 537).

مبحث مرتبط دیگر تقویت و گسترش دانش بر اساس علم شهروندی است.

عبارت "علم شهروندی" برای توصیف طیفی از ایده‌ها به کار می‌رود که مبتنی بر این دیدگاه فلسفی است که به دنبال مشارکت عموم مردم در مباحث علمی است و توسعه پژوهش‌های علمی مبتنی بر آگاهی عمومی / اجتماعی است. در آمریکای شمالی علم شهروندی به مشارکت پژوهشی میان دانشمندان و داوطلبانی اشاره دارد که به دنبال فراهم کردن فرصت‌های بهتر برای جمع‌آوری داده‌های بیشتر و دقیق‌تر و البته فراهم کردن امکان دسترسی افراد جامعه به داده‌ها و اطلاعات علمی است؛ بنابراین، در مجموع می‌توان علم شهروندی را این‌گونه تعریف کرد: "پروژه‌های که در آن‌ها افراد داوطلب به همراه دانشمندان به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش‌هایی است که پیرامون مسائل جهان مطرح است. (Cornell University, 2018)

علم شهروندی این پتانسیل را در خود دارد که منافع و فرصت‌های متنوعی برای پژوهشگران، شهروندان، سیاست‌گذاران، جامعه در کلیت آن در حوزه‌های تحقیق و نوآوری فراهم می‌آورد. علم شهروندی کمک می‌کند که علم همگانی‌تر شده و در ارتباط بهتر با جامعه نمود پیدا کند و روند تولید و توسعه دانش نوین را تسریع کند. در نتیجه به آگاهی همگانی و عمومی درباره علم و حوزه سیاست‌گذاری منجر می‌شود. (European Commission, 2018: 59)

مفهوم دیگر، علوم اجتماعی کاربردی است. علوم اجتماعی کاربردی، رشته‌های علوم اجتماعی دانشگاهی، حرفه‌ها و مشاغلی هستند که به دنبال استفاده از دانش علوم اجتماعی اولیه، (به‌ویژه از جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی و به میزان کمتری، روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و انسان‌شناسی) می‌باشند تا بر زندگی روزمره جوامع، سازمان‌ها و اشخاص تأثیر بگذارند. برخی از صاحب‌نظران بخش‌هایی از اقتصاد و به‌ویژه تجزیه و تحلیل اقتصادی و برنامه‌ریزی اقتصادی را نیز به‌عنوان علوم اجتماعی کاربردی در نظر می‌گیرند. دیگران تمایل دارند که اقتصاد را نه به‌عنوان یک علم اجتماعی بلکه به‌عنوان یک علم طبیعی که از بعضی موارد بیشتر با فیزیک قابل مقایسه است در نظر بگیرند.

مددکاری اجتماعی، بهداشت عمومی، برنامه‌ریزی شهری و مدیریت عمومی ممکن است از جمله علوم کاربردی اجتماعی اولیه در ایالات متحده بوده باشند. همگی از جنبش اصلاحات اجتماعی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به وجود آمدند. مدیریت سازمان اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی، تجزیه و تحلیل خط‌مشی، اپیدمیولوژی، پزشکی اجتماعی و برنامه‌ریزی راهبردی تنها اندکی از بسیاری از علوم اجتماعی کاربردی مرتبط هستند که از این بستر به وجود آمده‌اند. (<http://en.citizendium.org/wiki>)

محقق دیگری از این پرسش آغاز می‌کند که کاربردپذیری علوم انسانی چیست؟ پرسش اصلی این گفتار این است که آیا علوم انسانی سودمند است؟ و اگر سودمند است، این سودمندی به چه معناست؟

فیلستروم در پاسخ به پرسش‌های فوق تصریح می‌کند، باید توجه داشت که مقصود از سودمندی دانش به معنای کاربرد آنی آن در حل مسائل و مشکلات در حوزه عملی نیست. ارزش پژوهش‌های علمی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی اغلب در بلندمدت هویدا می‌شود. نمونه عینی این سودمندی را نیز می‌توان در حوزه فلسفه کلاسیک مشاهده کرد. به‌محض اینکه شرایط اقتصادی بفرنج می‌شود، چشم‌اندازهای تأمین بودجه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با اماواگر روبه‌رو می‌شود؛ اما از منظر فیلستروم^۱، دقیقاً در زمان بروز بحران است که ارزش علوم انسانی خود را نشان می‌دهد و اهمیت آن دوچندان می‌شود. (Pihlström, 2011)

اولیو استیونسون در حوزه مطالعات علوم اجتماعی معتقد است:

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۶۳

اولیو استیونسون^۱، به روشنی بیان می‌کند: "ما در حوزه کار اجتماعی، در مرحله‌ای از توسعه قرار نداریم که در آن بخواهیم چیزی بر موجودیت دانش موجود بیفزاییم یا چیزی از آن بزداییم یا اینکه در انتظار حرکت انقلاب‌گونه‌ای باشیم که دکترین موجود را یک شب زیر رو کند. بهتر آن است که ما به موضوع "چارچوب‌های ارجاعی"^۲ برای درک مردم و کمک به آن‌ها در حل و فصل مشکلات بیندیشیم. این چارچوب‌های مورد اشاره ممکن است مکمل یکدیگر یا در تضاد با هم قرار داشته باشند. با معرفی مفاهیم نظری مختلف به دانشجویان و بررسی مفروضاتی که این نظریه‌ها بر اساس آن‌ها شکل گرفته‌اند، امکان تأمل و مقایسه نقادانه این نظریه‌ها برای دانشجویان میسر خواهد شد. هدف از این مقایسه نقادانه و بررسی نظریه‌ها مختلف، ایجاد تغییر در مفاهیم و دستاوردهای علوم اجتماعی در حوزه عملکردی آن‌هاست. (Lees, 1975)

اثر علمی دیگر مرتبط با موضوع، کتاب "علوم انسانی و حیات اجتماعی" است و این قضیه را بررسی می‌کند که علوم انسانی به بهترین شیوه قادر هستند بیانگر تعهد به قرائت اخلاقی باشند. این تعهد و آموزش و نظم و انضباط در خواندن دقیق که زیربنای آن هستند، بیانگر چیزی است که علوم انسانی باید به رشته‌های دیگر بدهند: به آموزش حرفه‌ای و حیات اجتماعی.

این کتاب گروهی از محققان برجسته و روشنفکران را برای بحث و گفتگو پیرامون نقش اجتماعی و اهمیت علوم انسانی گرد هم می‌آورد. تبادل نظر بین آن‌ها حاکی از آن است که نظر شلی^۳ درست بود که اصرار داشت شاعران قانون‌گذاران ناشناخته بشری هستند: تغییر فرهنگی همه‌چیز را به دنبال خود می‌آورد. خواندن دقیق همراه با تفسیر که در علوم انسانی انجام می‌شود باید کالایی صادراتی به سایر رشته‌ها باشد و جایگاه خود را در عرصه اجتماعی بیابد. (Peter Brooks & Hilary Jewett, 2014)

اما علوم انسانی به چه کار می‌آیند؟ این عنوان مقاله ویرا در تلاش برای اعاده حیثیت از علوم انسانی است. او می‌نویسد:

نقطه اشتراک کتاب‌های بروکس و سامر تمایل آن‌ها برای متقاعد کردن تردیدکنندگان در اهمیت هنر و علوم انسانی به پذیرش ارزش ذاتی آن‌ها است. این کتاب‌ها

1. Olive Stevenson
2. frames of reference
3. Shelley

در تلاش‌اند تا نشان دهند که این رشته‌ها نقش بسیار مهمی را در حیات مردم و فرهنگ معاصر دارند. وی معتقد است مجموعه بروکس با نادیده گرفتن تحقیقات در حوزه علوم انسانی و با کشیده شدن به سوی یک گفتمان - همان گفتمانی که کتاب در تلاش است با آن مبارزه کند- در مورد آینده محکوم به شکست علوم انسانی از رسیدن به هدفی که به آن اشاره شد باز می‌ماند. در مقابل، سامربیش از اندازه معتقد به قدرت هنر برای مقابله با مشکلات بغرنج اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. هر دو رویکرد نشانه‌ای از وضعیت حاکم بر حوزه علوم انسانی می‌باشد که مجبور است وجود خود را با تکیه بر اصول فن سالارانه که مستلزم نتایج سریع و زودبازده می‌باشد توجیه نماید. علوم انسانی دائماً مجبورند نتایج عملی خود را نشان دهند و یا ناامیدانه بپذیرند که فاقد یک عملکرد مستحکم و فوری می‌باشند. به تعبیری مجبور به توسل به شیوه‌های ارزیابی بر گرفته از علوم تجربی می‌باشند. علوم انسانی که نه یک مجموعه از رشته‌های درحال زوال هستند و نه درمان قطعی مصائب اجتماعی که هنوز مرکز پرممان بشری هستند؛ زیرا آن‌ها فرضیه‌های ضمنی که جوامع ما مبتنی بر آن‌ها هستند را تشریح و آشکار می‌سازند. علوم انسانی تبیین‌کننده تاریخ این ارزش‌ها هستند و جایگزین‌ها را برای شرایط موجود معرفی می‌نمایند. ویرا معتقد است در بهترین حالت، هر دو کتاب اهمیت این وظایف را به ما یادآور شده و به ما نشان می‌دهد که چرا هنر و علوم انسانی هنوز مهم هستند. (Vieira, 2014)

موقعیت علوم اجتماعی نیز موضوعی مهم و قابل بحث است.

رویکردهای علوم اجتماعی کاربردی در میزان عمومیت یا تخصصی بودن بسیار متغیر هستند. به‌عنوان مثال، در سال 1996 انتشارات دانشگاه کمبریج، کتابی در مورد تئوری طراحی سازمانی منتشر شد که هدف آن متحد ساختن دیدگاه‌های طراحی در خصوص نهادگرایی جدید در نظریه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بود.

در حال حاضر روابط عمومی، تبلیغات و بازاریابی، از جمله سایر رشته‌های مدیریتی و سازمانی هستند که بر بستر علوم اجتماعی کاربردی نهاد شده‌اند.

برخی از علوم اجتماعی کاربردی بیشتر به سوی اقدامات اجتماعی گسترده و گروهی دیگر به توان فنی محدود متمایل هستند. به‌عنوان مثال، این تمایز در رویکردهای مختلف برای تحقیقات اجتماعی نمایان است. مثلاً از نظر ماهیتی برخی از تحقیقات زیربنایی و نظری، برخی آماری و روش‌شناختی هستند. هر دوی این مباحث عملی و فنی می‌تواند از "نظریه" متمایز شوند، همچنین گاهی اوقات از علوم اجتماعی عملی تحت عنوان "علوم اجتماعی پایه" نیز قابل تمایز هستند. (<http://en.citizendium.org/wiki>)

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۶۵

نکته قابل تأمل دیگر تأثیرات بررسی نشده علوم اجتماعی است.

از دیدگاه شرکت‌کنندگان در پنل دانشگاه LSE انگلستان علوم اجتماعی دانشگاهی نقش اساسی را در سیستم‌های "تحت سلطه انسان" و "تحت تأثیر انسان" دارد که خود این سیستم‌ها در تمدن مدرن ما نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در سراسر جهان حدود ۴۰ میلیون نفر در حال حاضر در رشته علوم اجتماعی دانشگاه کار یا تحصیل می‌کنند و یا در مشاغل کار می‌کنند که در آن یافته‌های تحقیقات علوم اجتماعی در کسب و کارها، نهادهای دولتی و مردمی. سیستم‌های مراقبت بهداشتی، رسانه‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. باین‌حال، اثرات علوم اجتماعی دانشگاهی به میزان کافی مورد بررسی قرار نگرفته است و اثربخشی آن‌ها اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است. در مقایسه با سایر رشته‌ها اطلاعات اندکی در خصوص گستره، تنوع و اهمیت بیرونی تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاهی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی مستقل وجود دارد. این مطالعه مبتنی بر شواهد تلاش می‌کند تا این صنعت موفق و قابل توجه در انگلیس را توصیف نموده و تأثیرات آن را به‌طور نظام‌مند بر اقتصاد و جامعه بریتانیا مشخص نماید. (The LSE Public Policy Group, 2017)

از نظر محققان دیگر نقش تحقیقات اجتماعی در سیاست‌گذاری اجتماعی واجد اهمیت است.

تحقیقات علوم اجتماعی اهمیت زیادی در سیاست‌های جمعیتی و اثربخشی برنامه‌های تنظیم خانواده داشته‌اند. مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌های علوم اجتماعی به‌طور بالقوه با تمامی جنبه‌های رفتار تولیدمثلی مانند باروری، متغیرهای تخمین باروری و تعداد مطلوب اعضای خانواده مرتبط می‌باشد. تحقیقات علوم اجتماعی همچنین کمک می‌کنند به درک نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، کلیه سیستم‌های زیستی-اجتماعی و برنامه‌های تنظیم خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نقش علوم اجتماعی در ارزیابی چگونگی تطبیق چنین درکی با شرایط فرهنگی ملی و محلی برنامه‌های تنظیم خانواده دست‌کم به میزان اهمیت نظریه‌های خاص و یافته‌های علوم اجتماعی می‌باشد. یک نکته مهم آن است که پروژه‌های پایلوت که به دقت مورد نظارت واقع شده‌اند باید قبل از راه‌اندازی کامل برنامه‌های ملی انجام پذیرند و همچنین باید به‌عنوان منابع پیوسته برای توسعه برنامه مورد استفاده واقع شوند. تحقیقات انجام‌شده بر برنامه‌های اولیه در آسیا از اهمیت برخوردار بوده‌اند زیرا این برنامه‌ها با برخی از موانع احتمالی برنامه‌های جدید مواجه و بر آن‌ها فائق آمده‌اند (Freedman, 1987)

هم‌چنین دیدگاه علم در جامعه در سایت رسمی مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی لندن منتشر شده و حاوی نکات مهمی است:

اگرچه بسیاری معتقدند که شواهد بهتر در زمینه علوم اجتماعی منجر به ایجاد خط‌مشی‌های بهتر می‌گردد، ما نمی‌دانیم چگونه این اعتقاد را به واقعیت تبدیل کنیم. نانسی کارترایت^۱ و جولیان ریس^۲ استدلال می‌کنند که تلاش‌های کنونی در زمینه ایجاد خط‌مشی‌های مبتنی بر شواهد، متمرکز بر بهبود اعتبار نتایج است؛ اما این کافی نیست. اکنون زمان سرمایه‌گذاری فراوان در ایجاد روش‌هایی فرا رسیده تا بتوانیم با استفاده از آن‌ها از این دانشی که به‌سختی به‌چنگ آمده برای ساختن جوامع بهتر استفاده کنیم. جامعه برای انجام تحقیقات علوم اجتماعی سرمایه‌گذاری زیادی می‌کند. مطمئناً انتظار می‌رود که برخی از آن‌ها تنها برای درک خودمان و جوامعی که در آن زندگی می‌کنیم، بلکه برای تغییر آن‌ها مفید باشد. این مطمئناً همان جنبش فعال عملی و سیاست‌گذار مبتنی بر شواهد است که در انگلستان هم توسط حزب کارگر و هم دولت فعلی ائتلافی به‌شدت حمایت می‌شود؛ اما هنوز نمی‌دانیم چگونه از نتایج علوم اجتماعی برای بهبود جامعه استفاده کنیم. این باید به‌زودی تغییر کند. اکنون زمان آن فرا رسیده تا سرمایه‌گذاری فراوانی برای ایجاد روش‌هایی که از طریق آن‌ها بتوانیم دانشی را که با تلاش فراوان به‌دست‌آمده برای ساخت جوامع بهتر مورد استفاده قرار دهیم. همچنین روش‌هایی را خلق کنیم برای ایجاد فناوری علوم اجتماعی. بریتانیا در حال حاضر برای پاسخ دادن به یک سؤال سرمایه‌گذاری فراوانی کرده است: "چگونه می‌توانیم مطالعات علوم اجتماعی را طراحی کنیم تا بتوانیم از نتایج آن‌ها اطمینان بیشتری داشته باشیم؟" سوالی که ما از آن غافل هستیم این است: "چگونه از این دانش استفاده کنیم تا بتوانیم جوامع بهتری ایجاد نماییم؟" (سایت مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی لندن، مشاهده شده در 7:2018)

ایده جالب دیگر این است که رابطه آموزش عالی، علوم انسانی و شهروندان یک قرارداد اجتماعی است.

این مورد یک تجربه آمریکایی است. به نظر برخی محققان، همه، از دانش‌آموزان و اساتید گرفته تا مدیران دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها تا عامه مردم می‌دانند که مؤسسات آموزش عالی ایالات متحده تحت فشار فوق‌العاده‌ای هستند. هزینه‌ها در حال افزایش و منابع مالی در

1. Nancy Cartwright

2. Julian Reiss

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۶۷

حال کاهش می‌باشند و این ترکیب مرگبار، رتبه جهانی بیشتر مؤسسات آموزش عالی برجسته را پایین‌تر و پایین‌تر می‌آورد. در مرکز این رویداد ناگوار بی‌توجهی به چیزی است که برخی از محققان آن را "قرارداد اجتماعی" بین تحصیلات عالی و دانشجویان / شهروندانی است که ما به آن‌ها خدمت‌رسانی می‌کنیم. به تعبیری "خیر عمومی" در حال نابودی است. برای بسیاری از ما، این عدم توجه به آینده با بی‌توجهی فراوان به علوم انسانی در ۴۰ سال گذشته ارتباط دارد. در این حوزه، ما تصمیم داریم به‌طور گسترده در رشته‌های مختلف، مذهب، ادبیات، فلسفه، تاریخ و سیاست به بررسی بپردازیم و راه‌هایی را بررسی کنیم که از طریق آن‌ها رابطه بین علوم انسانی و آموزش عالی در بستر تغییرات پرسروصدای اجتماعی در یک قرن گذشته شکل گرفت و تغییر یافت. ما همچنین بازنویسی احتمالات این رابطه توسط تکنولوژی را از طریق برنامه‌های مختلف مانند استوری کورپس (* برنامه اشتراک روایت‌ها و داستان‌ها توسط مردم با هدف ایجاد ارتباط بین مردم و ایجاد جهانی مهربان‌تر) و دیگر برنامه‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد. تا پایان این ترم، دانشجویان یک پیشنهاد و منطق را برای برقراری مجدد "قرارداد اجتماعی" میان تحصیلات عالی و شهروندانی که ما با آن همکاری می‌کنیم ارائه خواهند کرد (St.Johns Department, 2011)

مسأله علوم اجتماعی و مشکلات اجتماعی معاصر نیز مورد توجه مطالعات دهه اخیر بوده است.

مطابق دیدگاه بنیاد SSFC علوم اجتماعی می‌توانند ما را از عواملی که آزادی ما را تهدید می‌کنند آگاه سازند و درعین حال به ما قدرت بیشتری برای کنترل رفتارمان به شکل سازنده بدهند و همچنین به ما کمک کنند تا در برخورد با تنوع و تفاوت تحمل بیشتری داشته باشیم، یاد بگیریم با هم در هماهنگی بیشتری زندگی کنیم، خشونت کمتری بروز داده و به شکل رضایت‌بخش‌تری زندگی نماییم. با این حال، اگر ما قرار است از این مزایا بهره‌مند شویم، باید تلاش کنیم تا خودمان و جامعه‌مان را درک کنیم و در راه ایجاد یک علم اجتماعی بی‌نقص که قادر به غلبه بر چالش‌های آینده ما است تلاش نماییم.

ب- تجارب جهانی

در گزارش جهانی علوم انسانی که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد موقعیت علوم انسانی - اجتماعی کشورها بررسی شده است.

مطابق یافته‌های این گزارش، علوم انسانی در سیاست جهانی موقعیت و جایگاه منحصر به فردی دارد. از یک سو، بسیاری از سیاستمداران به طور فزاینده‌ای تصدیق می‌کنند که در قلب همه چالش‌های مهم قرن بیست و یکم سؤالاتی در مورد انگیزه، رفتار و انتخاب انسان وجود دارد. از دیگر سو، رشته‌های دانشگاهی که همه‌جانبه روی ابعاد گوناگون انسان متمرکز هستند به ندرت از متولیان این رشته‌ها خواسته می‌شود تا سیستم سیاسی را آگاه کنند. بدیهی است، در بسیاری از گوشه‌های جهان علوم انسانی در معرض انتظارات اجتماعی خاصی قرار گرفته است. افزون بر این پرواضح است که علوم انسانی با تقاضای زیادی همچون هویت فرهنگی و میراث فرهنگی سروکار دارد. با این وجود هنوز اختلاف‌هایی بین عرضه و تقاضای آن وجود دارد و به نظر می‌رسد این‌ها بیشتر مربوط به کمیت (یعنی کمبود بودجه) نسبت به کیفیت (یعنی موضوعات مورد نظر) می‌باشند؛ بنابراین از علوم انسانی بدون اقدام نمی‌توان انتظار تغییر داشت. در اتحادیه اروپا، علوم انسانی در ارتباط با علوم اجتماعی شامل کنشگران و تعداد زیادی از بازیگران است که نسبت به مقیاس جهانی، در به رسمیت شناختن علوم انسانی بی‌همتاست. از حیث تأمین مالی تحقیقات [علوم انسانی]، فراهم‌سازی زیرساخت‌های اساسی و هدفمند و حمایت سیاستمداران درست در تضاد با غفلت موجود در ایالات متحده آمریکا است. دیگر کشورها، همچون آفریقای جنوبی و استرالیا توجه سیاسی به علوم انسانی برایشان بدون هزینه نبوده است و پذیرش جدید علوم انسانی توسط مقامات چینی به طور بالقوه باعث ایجاد مشکلات اخلاقی و پرسش از آزادی در پژوهش می‌شود که ممکن است در تحقیقات کلاس جهانی وجود داشته باشد.

در گزارش جهانی علوم انسانی نوشته هلم و همکارانش سیاست‌های کلان علوم انسانی برخی کشورها درج و ارائه شده است که به اختصار مرور می‌کنیم:

در کشور چین علاقه سیاسی زیادی در زمینه علوم انسانی وجود دارد به گونه‌ای که به طور مداوم بودجه تخصیص یافته به این علوم در حال افزایش است. افزون بر این علاقه زیادی به شبکه‌سازی و دعوت از متخصصان خارجی به کشور [چین] وجود دارد به دلیل اینکه دانشگاه‌های پیشرو در کشور چین به سرعت به دنبال توسعه برنامه‌های علوم انسانی خود می‌باشند. این پیشرفت این نکته را در ذهن متبادر می‌کند که در کنار افزایش علاقه جامعه دانشگاهی به مقوله علوم انسانی، نوعی همگرایی و علاقه سیاسی برای توسعه علوم

انسانی در کشور چین وجود دارد. بی‌گمان در پشت توسعه علوم انسانی، ارزش اقتصادی و اجتماعی نهفته است. ارزش اقتصادی علوم انسانی دربرگیرنده رشد آینده در زمینه تکنولوژیک، توسعه و در دسترس بودن نیروی کار [مورد نیاز] مربوط می‌شود. از این رو، نیازمند این است که سیاستمداران چینی سرمایه بیشتری را برای سرمایه‌گذاری فرهنگی [نیروی انسانی] بسازند برای پایداری رشد در آینده اختصاص دهند [نوعی ظرفیت‌سازی نرم از رهگذر علوم انسانی]. دومین انگیزه افزایش سرمایه‌گذاری در علوم انسانی سیاست‌های خارجی چین است چراکه این سیاست متمرکز بر قدرت نرم است. توسعه و استقرار بیش از صد موسسه کنفوسیوس در شهرها و دانشگاه‌های بزرگ سراسر جهان نشان از اولویت سیاستی چین در توسعه درک سیاست‌های چین از طریق حفظ و بسط تعاملات فرهنگی است [سرمایه‌گذاری با جهت‌گیری دیپلماسی فرهنگی].

در آفریقای جنوبی علوم انسانی از اهمیت اجتماعی برخوردار است [نوعی جهت‌گیری اجتماعی وجود دارد] اگرچه در طی سال‌های اخیر به تدریج از توسعه آن کاسته شده است. گزارش‌های سیاست‌های عمومی علوم انسانی در آفریقای جنوبی بیانگر این نکته است که اهمیت این علوم در شکل‌گیری انسجام اجتماعی مهم پنداشته می‌شود. بر پایه این گزارش مشکلات اجتماعی همچون: خشونت، فساد، شکاف طبقاتی و درآمدی، مسائل نژادی و... در علوم انسانی به‌عنوان دغدغه ملی تلقی می‌شوند. افزون بر این گزارش شده است که علوم انسانی با [ارتباطات انسانی] سروکار دارد پس به ما می‌گوید [که هستیم] به ما راه‌های دیدن دیگر همچون تحمل ارزش‌های اجتماعی دیگران را می‌آموزد [چندبعدی بودن]. دانش برآمده از هم‌اندیشی و هم‌کنشی فرهنگ‌های گوناگون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی در دیپلماسی، روزنامه‌نگاری، آموزش و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین گزارش علوم انسانی کشور آفریقا جنوبی بازگوکننده این نکته است که علوم انسانی در اتصال پل‌های بین گذشته و آینده نقش کلیدی ایفا می‌کند. در مقابل ارزش اقتصادی علوم انسانی [نقش آن در رشد اقتصادی] نه تنها کم‌رنگ شده است بلکه نگاه سودمدارانه به علوم انسانی به‌شدت موردانتقاد هم قرار گرفته است. چراکه هدف در علوم انسانی ساخت اجتماعی جهانی و حل مشکلاتی نظیر فقر و نابرابری جهانی، گرم شدن کره زمین و بیماری‌های واگیردار جهانی می‌باشد. در واقع ایجاد اجتماع جهانی و ارتقاء منافع مشترک همگان به‌عنوان ذات و رسالت علوم انسانی محسوب می‌شود. این گزارش نه تنها به خاطر ترسیم نقش اجتماعی در علوم انسانی، بلکه از حیث انتقاد از کمبودهای فعلی انتظارات جامعه از علوم انسانی بسیار جالب و درخور درنگ است. در این گزارش آمده است

که در ابتدا علوم انسانی در نقش مفسر [تسهیل کننده درک فرایند اجتماعی و نوآوری اجتماعی]، عامل تغییر [تسهیل تغییر فناوری]، پرورش دهنده سیاستمداران، منتقدین و تولیدکنندگان دانش می باشد اما در شکل کنونی نقش آن صرفاً به عنوان دستیار فعالیت های نوآوری در حوزه های علمی دیگر است. بر پایه این گزارش، دوره بازسازی دموکراتیک پس از سال 1994 و تغییر جهت مجدد سیاست های علمی، باعث کاهش تدریجی نقش رشته های علوم انسانی، افزایش نگاه ابزاری به علوم انسانی و به کارگیری آن در خدمت نوآوری و کاهش بودجه و فعالیت های پشتیبانی و حمایتی از آن شده است. (Holm, P. Jarrick, A, Scott, D.2015)

در کشور استرالیا پرسش های مربوط به حقوق بومیان و نگرانی های زیست محیطی در علوم انسانی برجسته شده است. به گونه ای که در سال های اخیر آکادمی علوم انسانی استرالیا (AAH) سالانه پنج تا هفت سند در مورد موضوعاتی از جمله اولویت های تحقیق ملی، آموزش تحقیق، سیاست های فرهنگی، زیرساخت های تحقیقاتی، تعالی در تحقیقات و آینده نشر علمی تحقیقات ارائه می کند. این سازمان دارای سیستم مالی ای مستقل از بودجه دولتی است. حدود ۵۰۰ نفر شاغل جمعیت کارکنان آن را تشکیل می دهند که از جمله نقش های اصلی آن ارائه مشاوره مستقل به دولت، صنعت، رسانه ها، سازمان های فرهنگی و گروه های جامعه است. دیدگاه علوم انسانی آن را معرض حملات سیاسی قرار می دهد اما یکی از اهداف سیاسی دولت جدید [لیبرال] که از سال ۲۰۱۳ به قدرت رسیده و روی کار آمده است حذف بودجه فدرال در تحقیقات و پژوهش علوم انسانی [با بهبود و عبث پنداشتن] آن هاست.

در هند و ژاپن نسبت به علوم انسانی دید و حمایت سیاسی کمتری وجود دارد. بنیاد هنر هند (IFA) گزارشی را ارائه کرد که نقشه و چشم انداز علوم انسانی را برای سال 2010 ترسیم و تدوین می کند که از نظر تأمین مالی و بودجه با مخالفت دولت مواجه شده اند. لذا از علوم انسانی و اجتماعی در هند می توان این گونه نتیجه گرفت که این علوم در هند شکوفا نشده اند و از آن ها حمایت و پشتیبانی به عمل نیامده است. علیرغم اینکه در علوم اجتماعی به دلیل وجود آژانس های تخصصی، علاقه شرکت ها و بودجه مبتنی بر پروژه از سوی بانک جهانی و سایر مؤسسات عملکرد بهتری وجود داشته است اما علوم انسانی که متکی به بودجه دولتی بوده و توسط شورای تحقیقات تاریخی هند (ICHR) و شورای فلسفی هند (ICPR) می باشد، عملکرد ضعیف تری داشته است. بودجه شورای تحقیقات تاریخی هند در سال 2008-2009، ۱۰۶ میلیون روپیه بوده است و از آن زمان تاکنون

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۷۱

افزایش نیز یافته است [در زمینه علوم اجتماعی] در حالی که بودجه شورای فلسفی هند [در زمینه علوم انسانی] بر پایه این گزارش ۶۳ میلیون روپیه در سال 2009-2006 اعلام شده بود که به نسبت جمعیت دانشگاهیان و دانشگاه‌ها بسیار اندک است. به‌طور کلی تحلیل‌ها حاکی از این است که علوم اجتماعی در هند جایگاه بالاتری دارد و به سیاست‌های رفاه عمومی پیوند خورده است حال آنکه از بودجه علوم انسانی و نقش آفرینی اجتماعی کاسته شده است.

آمریکای لاتین

بی‌توجهی به علوم انسانی به نظر می‌رسد در آمریکای لاتین نیز رخ داده است؛ اما در برزیل شورای ملی علوم و فناوری تمایل و علاقه زیادی به تدوین و ترسیم دورنما برای علوم اجتماعی نسبت به علوم انسانی دارد و در زمینه پاسخگویی به پرسش‌هایی در باب انسجام اجتماعی و مذاهب در زمینه‌های تأثیرات اجتماعی علوم انسانی کاربرد دارد در مجموع دولت‌ها [در آمریکای لاتین] علاقه چندانی به توسعه علوم انسانی برای ارائه مشاوره در زمینه‌های سیاستی ندارند (Holm, P. Jarrick, A, Scott, D.2015).

اما در برنامه افق 2020 اتحادیه اروپا هنگامی که صحبت از جایگاه علوم اجتماعی و انسانی در این برنامه می‌شود، رجوع به حوزه‌های اصلی پژوهش در این چارچوب ضروری است. افق 2020 بر سه ستون یا حوزه تحقیقاتی عمده استوار است:

- علوم عالی

- صنایع رقابتی

- جامعه بهتر

ضرورت گنجاندن پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی در افق 2020 از جانب اتحادیه اروپا، کوششی برای بازگشت سرمایه‌های مصروف در علم و فناوری به جامعه است؛ یعنی علوم اجتماعی و انسانی می‌توانند در جایی که به آن‌ها نیاز است، سهم خود را ایفا کنند؛ به عبارت دیگر، الحاق و اضافه کردن بُعد اجتماعی - اقتصادی به طراحی، توسعه و تحقق پژوهش‌ها و فناوری‌های نوین می‌تواند در یافتن راه‌حل برای مسائل اجتماعی سودمند باشد (European Commission, 2018).

جدول ۲. خلاصه دیدگاه‌ها و یافته‌ها

Table 2. Summary of point of views

سال	پژوهشگر	دیدگاه / یافته
2018	مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی لندن	اکنون زمان آن فرا رسیده تا سرمایه‌گذاری فراوانی برای ایجاد روش‌هایی که از طریق آن‌ها بتوانیم دانشی را که با تلاش فراوان به‌دست‌آمده برای ساخت جوامع بهتر مورد استفاده قرار دهیم. همچنین روش‌هایی را خلق کنیم برای ایجاد فناوری علوم اجتماعی.
2018	گزارش دانشگاه کرنل	مطرح‌شدن علم شهروندی به‌عنوان پروژه‌هایی که در آن‌ها افراد داوطلب به همراه دانشمندان به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش‌هایی است که پیرامون مسائل جهان مطرح است.
2018	اتحادیه اروپا	افق ۲۰۲۰ بر سه ستون یا حوزه تحقیقاتی عمده استوار است: علوم برتر، صنایع رقابتی، نیل به جامعه بهتر
2017	گروه سیاست عمومی دانشگاه LSE	اثرات علوم اجتماعی دانشگاهی به میزان کافی موردبررسی قرار نگرفته است و اثربخشی آن‌ها اغلب موردانتقاد قرار گرفته است. در مقایسه با سایر رشته‌ها اطلاعات اندکی در خصوص گستره، تنوع و اهمیت بیرونی تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاهی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی مستقل وجود دارد.
2016	آنتونی بیگلان	تأکید بیش‌ازپیش بر مؤلفه‌های پیش‌بینی و تأثیرگذاری در پژوهش‌های حوزه علوم انسانی.
2015	هولم و همکاران (گزارش جهانی علوم انسانی)	دراروپا. از حیث تأمین مالی تحقیقات [علوم انسانی]، فراهم‌سازی زیرساخت‌های اساسی و هدفمند و حمایت سیاستمداران درست در تضاد با غفلت در ایالات‌متحده آمریکا است. دیگر کشورها، همچون آفریقای جنوبی و استرالیا توجه سیاسی به علوم انسانی برایشان بدون هزینه نبوده است و پذیرش جدید علوم انسانی توسط مقامات چینی به‌طور بالقوه باعث ایجاد مشکلات اخلاقی و پرسش از آزادی در پژوهش می‌شود که ممکن است در تحقیقات کلاس جهانی وجود داشته باشد.
2014	ویرا	علوم انسانی نه یک مجموعه از رشته‌های درحال زوال هستند و نه درمان قطعی مصائب اجتماعی که هنوز مرکز پرسمان بشری هستند؛ زیرا آن‌ها فرضیه‌های ضمنی که جوامع ما مبتنی بر آن‌ها هستند را تشریح و آشکار می‌سازند.
2014	پیتر بروک و هیلاری جووت	علوم انسانی به بهترین شیوه قادر هستند بیانگر تعهد به قرائت اخلاقی باشند؛ و این تعهد و آموزش و نظم و انضباط در خواندن دقیق بیانگر چیزی است که علوم انسانی باید به رشته‌های دیگر بدهند: به آموزش حرفه‌ای و به حیات اجتماعی.
2011	فیلستروم	دقیقاً در زمان بروز بحران است که ارزش علوم انسانی خود را نشان می‌دهد و اهمیت آن دوچندان می‌شود

سال	پژوهشگر	دیدگاه / یافته
2011	دپارتمان اس.تی.جونز	این گزارش یک پیشنهاد و منطق را برای برقراری مجدد "قرارداد اجتماعی" میان تحصیلات عالی و شهروندانی که ما دانشگاهیان با آنها همکاری می‌کنیم ارائه کرده است.
1987	فریدمن	تحقیقات علوم اجتماعی به درک نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، کلیه سیستم‌های زیستی-اجتماعی و برنامه‌های تنظیم خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند کمک می‌کنند.
1975	اولیو استیونسون	بهتر آن است که ما به موضوع "چارچوب‌های ارجاعی" برای درک مردم و کمک به آنها در حل و فصل مشکلات بیندیشیم.

نقدی که می‌توان بر منابع یادشده در پیشینه وارد کرد این است که این مقالات و گزارش‌ها عمدتاً بر ضرورت و اهمیت علوم انسانی انگشت نهاده یا بعضاً نقش و کارکرد مهم این علوم را در حل مشکلات جامعه تبیین می‌کنند اما کمتر راهبرد و راهکار جامعی برای تعامل ارائه کرده‌اند. گاهی اوقات یک پیشنهاد انفرادی مانند گزارش دپارتمان اس.تی.جونز مشاهده می‌شود.

این اسناد یک چارچوب مفهومی جامع ارائه نمی‌کنند. هرچند گاهی یک مفهوم منفرد در کنار مفاهیم سنتی مطرح می‌شود؛ مانند "علم شهروندی" در گزارش دانشگاه کرنل یا مفهوم "فناوری علوم اجتماعی" در گزارشی دیگر.

عمده این مطالعات اسنادی است و کمتر پژوهشی میدانی یافت می‌شود. جوامع مورد مطالعه نیز هیچ‌کدام مشتمل بر کشورهای خاورمیانه نمی‌شود. این نکات تفاوت بارز مطالعه و تحلیل محتوای حاضر را که متکی به دیدگاه‌های خبرگان ایرانی است نشان می‌دهد. کشوری که دارای پیشینه درخشان علمی و تمدنی است؛ اما در زمینه تعامل علم و جامعه در دهه‌های اخیر کم‌کاری و مشکلاتی داشته است.

چارچوب مفهومی مطالعه با الهام از ادبیات موضوع و بر اساس مسأله تحقیق و هدف آن به‌صورت زیر مدون شده است. مؤلفه‌های مندرج در این چارچوب در فرآیند مطالعه میدانی و مصاحبه‌های کیفی و تحلیل مضامین به‌عنوان تابلو راهنما مورد توجه قرار گرفت.

چارچوب مفهومی

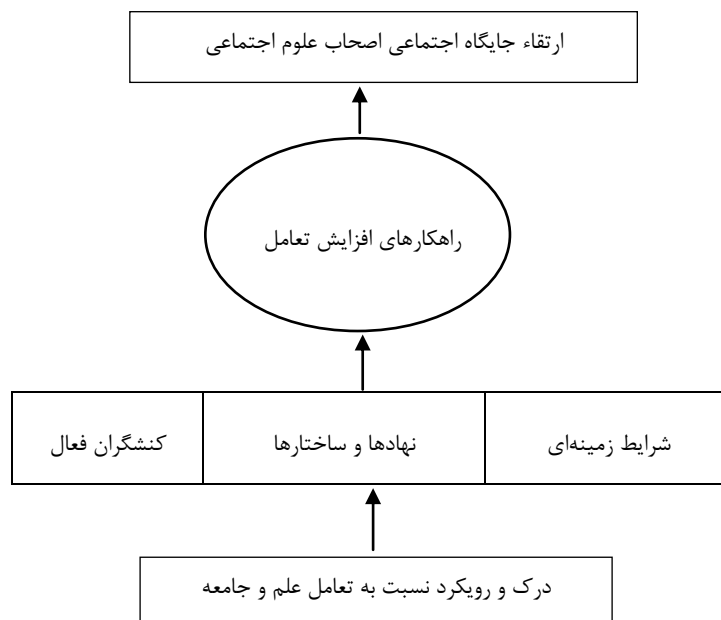
با توجه به پیشینه و ادبیات موجود، چارچوب مفهومی مطالعه منطبق بر شکل ۱ ترسیم و دنبال شد. واژگان اصلی به‌کاررفته در آن چنین معنا می‌شود:

زمینه و بافتار منتسب به ویژگی‌های نسبتاً ثابت و فراگیر یک شیء یا یک مفهوم انتزاعی است.

این واژه را معمولاً معادل با context به کار می‌برند و به معنای زمینه‌ی معنایی چیزی است؛ یعنی بستر و زمینه‌ای که هر پدیده در آن معنا می‌شود. اما واژه ساختار به الگو یا آرایش یا سازمان‌دهی اجزای مرتبط در یک شیء مادی یا یک سیستم گفته می‌شود که بر اثر مشاهده یا بازشناخت الگو قابل تشخیص و کشف است. ساختار به معنی شیوه چیدمان اجزای مختلف یک چیز در کنار هم به گونه‌ای مرتبط، منظم و سازمان‌یافته بر اساس یک طرح دقیق به کاررفته است (Oxford, 2020:1523)

دانشنامه انسان‌شناسی و فرهنگ می‌نویسد: واژه کنشگر اجتماعی نیز به معنای هر فردی است که در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی با افراد دیگر قرار می‌گیرد و از طریق حضور اجتماعی خود، به نظام اجتماعی امکان وجود و تداوم یافتن می‌دهد. بحث اخیر در علوم اجتماعی با عنوان عاملیت^۱ نامیده می‌شود و منظور از آن میزان آزادی و قابلیت کنشگر اجتماعی به انجام کنش‌ها، فراتر از الزام‌های ساختاری و نهادی است.

شان و جایگاه اجتماعی نیز به وضعیت فرد در دستگاه اجتماعی و مقام او در سلسله‌مراتب جامعه اشاره دارد (Abercrombie et al, 1984) نتیجه راهکارها به بهبودشان و منزلت و جایگاه اصحاب علوم اجتماعی منجر می‌شود. این امر زیرساخت توسعه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی متوازن است.



شکل ۱. چارچوب مفهومی

Figure 1. conceptual framework

روش تحقیق

رویکرد این مطالعه کیفی است. در بخش نخست گزارش‌ها و اسناد و مقالات مرتبط در پایگاه‌های اطلاعاتی جستجو، گردآوری و دسته‌بندی و نقد شد. در بخش دوم روش تحلیل محتوای کیفی با تکنیک تحلیل مضمون انتخاب شده است.

در ادامه طرح برای پاسخ به پرسش‌ها و تدوین راهکارها از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان استفاده شد. تعیین خبرگان و اصحاب علوم اجتماعی به روش گلوله برفی بوده است. ملاک تعیین خبرگی دارا بودن آثار علمی مکتوب در زمینه علم و جامعه یا رابطه علوم انسانی و اجتماعی و جامعه و یا دارا بودن تجارب و سابقه سیاست‌گذاری و سیاست پژوهی در این حوزه است. ابتدا چهار نفر شناسایی و مصاحبه شدند. سپس با پرسش از مصاحبه‌شونده آخری با روش گلوله برفی سایرین معرفی می‌شدند این خبرگان از رشته‌های مختلف علوم انسانی انتخاب شدند؛ بنابراین مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به روش هدفمند انتخاب شده‌اند. این نوع نمونه از رهنمودهای احتمالات ریاضی پیروی نمی‌کند. (Wimmer, R.D and Dominick, 2013, p122)

نمونه هدفمند شامل افراد (سوژه‌هایی) است که بر اساس خصوصیات یا صفات ویژه‌ای انتخاب شده‌اند و کسانی که با این معیارها نمی‌خوانند، حذف شده‌اند. (Ibid, 126)

پس از انجام ۱۴ مصاحبه با متفکرین علوم انسانی و سیاست‌گذاران علم، یافته‌ها به حد اشباع نظری رسید.

مطالب مصاحبه‌های عمیق پیاده‌سازی و با روش تحلیل محتوای کیفی از نوع تحلیل مضمون کدگذاری و تحلیل شد. ابتدا خوشه‌های مضمونی با استفاده از نرم افزا Maxquda استخراج گردید. در پایان به منظور نیل به چارچوب مفهومی جامع، شبکه مضامین استخراج و ترسیم گردید.

کدگذاری مصاحبه‌ها بر اساس موضوعات و مقولات مندرج در جدول شماره ۳ صورت گرفته است. این موضوعات و مقولات از سؤالات پرسشنامه تحقیق استخراج شده‌اند.

جدول ۳. کدگذاری انتخابی

Table 3. Selective coding

ردیف	کدهای انتخابی	توضیحات	کدمحوری
1	رویکرد	کدام رویکرد به علوم انسانی می‌تواند تعامل بهتری با جامعه برقرار کند؟ کدام بخش از علوم انسانی برای تعامل با جامعه آمادگی بیشتری دارد؟	ارزیابی وضع موجود رویکردهای نظری مطلوب
2	تعریف جامعه	منظور از جامعه یا حوزه عمومی چیست؟	تعریف نظری ارزیابی وضع موجود
3	تجربه پاراآکادمی ^۱	آیا در ایران علوم انسانی غیردانشگاهی و پاراآکادمی داریم؟ این بخش چگونه می‌تواند بیشتر در خدمت جامعه قرار گیرد؟	ارزیابی وضع موجود وضعیت مطلوب
4	نقش و کارکرد علوم انسانی	علوم انسانی چگونه می‌تواند جامعه را از بحران‌ها و آسیب‌ها دور نگه دارد؟ علوم انسانی چگونه می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی و رفاه کمک کند؟ علوم انسانی چگونه می‌تواند برای آینده جامعه سیاست‌پژوهی کند؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای افزایش کارکرد

۱. مؤسسات و محافل که خارج از دانشگاهها و درکنار آنها به تولیددانش یا ایده‌های روشنفکرانه می‌پردازند.

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۷۷

ردیف	کدهای انتخابی	توضیحات	کدمحوری
5	منزلت علوم انسانی	چگونه می‌توان منزلت رشته‌های علوم انسانی را افزایش داد؟ چگونه می‌توان منزلت استادان و پژوهشگران علوم انسانی را افزایش داد؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای افزایش منزلت
6	شرایط زمینه‌ای تعامل علوم انسانی و جامعه	شرایط زمینه‌ساز برای تعامل علوم انسانی و جامعه چیست؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای بهینه‌سازی شرایط تعامل
7	نهادهای و ساختارها	چه نهادها و ساختارهایی مورد نیاز است؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای اصلاح نهادی و ساختاری
8	کنشگران فعال	کنشگران فعال علوم انسانی چگونه می‌توانند بهتر با جامعه در ارتباط باشند؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای بهبود ارتباط کنشگران علوم انسانی با جامعه
9	ترویج و همگانی‌سازی علوم انسانی	برای ترویج و همگانی‌سازی علوم انسانی چه اقداماتی پیشنهاد می‌کنید؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای بهبود
10	ارتباطات و شبکه‌سازی	برای ارتباطات و شبکه‌سازی بین علوم انسانی و جامعه چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای شبکه‌سازی
11	درگیرسازی مردم با علوم انسانی	برای درگیرسازی مردم در علوم انسانی چه پیشنهاداتی وجود دارد؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای افزایش درگیرسازی و مشارکت مردم در تولید و ترویج علوم انسانی
12	خدمات مشاوره‌ای علوم انسانی	برای استفاده از خدمات مشاوره‌ای علوم انسانی چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟	ارزیابی وضع موجود راهکارهای آشنایی با خدمات
13	اقدامات	نقش هر یک از سمن‌ها، کنشگران فکری، دولت، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها در افزایش ارتباط هدفمند بین جامعه و علوم انسانی چیست؟	تنوع اقدامات اجرایی

جدول شماره ۳، علاوه بر نشان دادن کدهای انتخابی، همچنین در قسمت توضیحات، محتوایی را که این کدها به آن اختصاص داده شده، نشان می‌دهد. این مرحله که معادل کدگذاری انتخابی است، توسط کدگذاری مرحله دوم، بر اساس محتوای مصاحبه‌ها و پاسخ‌های دریافتی به‌نحوی که در جدول شماره ۳ آمده است، تکمیل شده است.

جدول فوق نشان می‌دهد که بنا بر پاسخ‌های دریافت‌شده از مصاحبه‌شوندگان، در غالب کدهای محوری پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان بر دو مبنا عرضه شده است:

۱. ترسیم وضع موجود
 ۲. راهکارهایی برای رسیدن به وضع مطلوب
- بنابراین یافته‌های پژوهش این قابلیت را دارند که وضع موجود و وضع مطلوب تعامل علوم انسانی و جامعه را از نظر نخبگان علوم انسانی ترسیم کنند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های کیفی مصاحبه با خبرگان در یک فرآیند اکتشافی و استقرایی و با چند مرحله کدگذاری حاصل گردید.

در جدول شماره ۴ کدگذاری هر سه مرحله در فرآیند تحلیل مضمون نمایش داده شده است.

جدول ۴. کدگذاری باز

Table 4. open coding

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	ردیف
۱. نفوذ رویکرد پست‌مدرن ۲. فقدان توسعه‌یافتگی رشته‌ها و رویکردهای علوم انسانی در جامعه ۳. چالش بنیادی در علوم انسانی نظری در ایران ۴. عدم امکان علوم انسانی در ایران ۵. فقدان انسجام تاریخی و درونی در علوم انسانی در ایران ۶. وضعیت نسبتاً مطلوب است	۱. ارزیابی وضع موجود	رویکرد	1
۱. ترکیبی از رویکردهای مختلف به اقتضای شرایط/نیازها/نیازهای تاریخی و منطقه‌ای/موقعیت ۲. اثبات‌گرایی ۳. رهایی‌بخش و انتقادی ۴. اتخاذ رویکرد براساس تعریف مسأله ۵. رویکرد تعالی‌بخش با جهت‌گیری عملی و کاربردی ۶. رویکرد چندرشته‌ای ۷. اصلاح رویه‌های علوم انسانی	۲. رویکردهای نظری مطلوب		

ردیف	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
2	تعریف جامعه	۱. تعریف نظری	۱. مستقل از دولت و بازار ۲. اعم از بخش دولتی و غیردولتی و عمومی و خصوصی ۳. شامل نهادهای رسمی
		۲. ارزیابی وضعیت موجود	۱. فقدان تجربه جامعه ۲. برخورداری از تجربه جامعه (عبور از حالت توده‌ای) ۳. آنا‌رشیسم تجربی
3	تجربه پاراآکادمی	۱. ارزیابی وضعیت موجود	۱. پاراآکادمی موفق ۲. پاراآکادمی ناموفق
		۲. وضعیت مطلوب	۱. آکادمی و پاراآکادمی مکمل هم ۲. اتصال پاراآکادمی به جامعه ۳. نهادسازی و نظام‌سازی برای افزایش کارایی پاراآکادمی ۴. پاراآکادمی به‌عنوان الگوی آکادمی ۵. رفع شکاف آکادمی و پاراآکادمی برای اثربخشی علوم انسانی ۶. هم‌پیوندی آکادمی و پاراآکادمی
4	نقش و کارکرد	۱. ارزیابی وضعیت موجود	۱. فقدان کارکرد علوم انسانی (فانکشنال بودن علوم انسانی) به دلیل بازتولید سریع بحران‌ها ۲. ایفای کارکرد غیرمستقیم از طریق پاسخ به نیازهای معرفتی ۳. نقص تاریخی در بهره‌گیری از کارکرد علوم انسانی ۴. فقدان استقلال نهادی علوم انسانی ۵. فقدان اولویت‌بخشی به حل مسائل
		۲. راهکارهای افزایش کارکرد	۱. اصلاح رویه‌های موجود ۲. در اتصال با نهادهای دیگر بودن ۳. تقریب تعاریف علمی و تعاریف مدیریتی از کارکرد و کاربرد علوم انسانی ۴. اصلاح مدیریت‌ها در نهادهای علوم انسانی
5	منزلت علوم انسانی	۱. ارزیابی وضعیت موجود	۱. میل به تناقض‌واره‌های نظری (لزوم رفع تناقض دین و دنیا) ۲. واگذاری عرصه به غیرمتخصص ۳. فقدان پاسخ‌گیری نیازها از طریق علوم انسانی ۴. ترجیح علوم فنی به علوم انسانی در حکمرانان

ردیف	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
			<p>۵. ضعف در رویه‌های آموزشی</p> <p>۶. بی‌منزلی علوم انسانی ناشی از بی‌منزلی انسان</p>
		<p>۲. راهکارهای افزایش منزلت</p>	<p>۱. اصلاح رویه‌های علوم انسانی</p> <p>۲. تصحیح تلقی‌ها و تعاریف از اثربخشی علوم انسانی</p> <p>۳. واگذاری عرصه‌های تخصصی به علوم انسانی‌ها</p> <p>۴. ایجاد فیلترهای قوی برای ورودی علوم انسانی</p> <p>۵. تقویت دیدگاه مسأله‌محور</p> <p>۶. آگاهی‌بخشی به جامعه درباره رفع نیاز از طریق علوم انسانی</p> <p>۷. گذاشتن نقش‌های مهم بر دوش علوم انسانی و تبلیغ درباره آن</p>
		<p>۱. ارزیابی وضعیت موجود</p>	<p>۱. بی‌منزلی انسان در جامعه</p> <p>۲. بی‌منزلی نخبگان</p> <p>۳. فقدان استقلال نهادی علوم انسانی</p> <p>۴. وجود پیوند هستی‌شناسانه میان علوم انسانی و جامعه</p> <p>۵. چیرگی علوم دیگر (به خصوص مهندسی) بر علوم انسانی</p> <p>۶. وجود نظام معرفتی دینی یا سنتی به‌عنوان رقیب جدی</p> <p>۷. دیدگاه‌های مدیریتی غیرعلمی</p> <p>۸. شیوع نگاه‌های بازاری و تجاری‌سازی به علوم انسانی</p>
6	شرایط زمینه‌ای برای تعامل	<p>۲. راهکارهای بهینه‌سازی شرایط تعامل</p>	<p>۱. ترویج علم برای علم (تقویت بنیان‌های علمی علوم انسانی)</p> <p>۲. تقویت دموکراسی در حکمرانان</p> <p>۳. استقلال نهادی</p> <p>۴. اصلاح زیرساخت‌ها</p> <p>۵. استفاده از ظرفیت‌های بومی</p> <p>۶. تعامل مثلث دولت، دانشگاه و جامعه</p> <p>۷. واگذاری حوزه‌های تخصصی به علوم انسانی‌ها (اصلاح مدیریتی)</p> <p>۸. تبلیغ و تقویت گفتمان کارکردهای علم در جامعه</p> <p>۹. نهادسازی از طریق تقویت کارکردهای علم برای جامعه</p>

ردیف	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
			<p>۱۰. تعریف جایگاه راهبری برای جامعه</p> <p>۱۱. تلاش برای فهم علوم انسانی در دنیای مدرن</p> <p>۱۲. سرمایه‌گذاری دولت در علوم انسانی</p> <p>۱۳. برنامه‌ریزی با واقعیات موجود</p>
		۱. ارزیابی وضعیت موجود	<p>۱. وجود موانع فرهنگی، سیاسی و تشکیلاتی</p> <p>۲. موانع مالی و شغلی</p> <p>۳. چیرگی نگاه مهندسی</p> <p>۴. ضعف در نهادسازی</p> <p>۵. فقدان نهاد علم در کشور</p> <p>۶. توجه به ساختمان علم به جای سازمان علم</p> <p>۷. گرفتار نهادسازی و نهادگرایی هستیم</p> <p>۸. تصدی‌گری دولت در نهادهای کنونی</p> <p>۹. فقدان استقلال نهادی</p>
7	نهادهای و ساختارها	۲. راهکارهای اصلاح ساختاری و نهادی	<p>۱. اصلاح رتبه‌بندی‌ها</p> <p>۲. اصلاح جایگاه‌های شغلی</p> <p>۳. توجه به حوزه‌های علمیه</p> <p>۴. تشکیل انجمن‌های علمی</p> <p>۵. تشکیل نهادهای صنفی</p> <p>۶. تشکیل نهادهای فراآکادمی</p> <p>۷. تشکیل نهادهای واسط میان دانشگاه، دولت و صنعت</p> <p>۸. استفاده از ظرفیت نهادهای موجود</p> <p>۹. نهادسازی و ساختارسازی با توجه به اقتضائات محلی و استانی</p> <p>۱۰. لزوم انفکاک ساختاری</p> <p>۱۱. پایبندی به الزامات علم</p> <p>۱۲. توسعه رشته‌های انسانی</p> <p>۱۳. تشکیل اتاق‌های فکر مولد (تینک تنک)</p> <p>۱۴. تأکید بر کنشگران به جای نهادها و ساختارها</p> <p>۱۵. کاهش تصدی‌گری دولت در نهادها و ساختارهای کنونی</p> <p>۱۶. توجه به خلاقیت‌های فردی به جای ساختارسازی</p> <p>۱۷. اولویت‌بخشی به زیرساخت‌های فرهنگی به جای ساختارسازی</p> <p>۱۸. اصلاح برنامه‌ریزی آموزشی برای تربیت انواعی از</p>

ردیف	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
			کنشگر علوم انسانی ۱۹. اصلاح برنامه‌ریزی آموزشی در نسبت با دانش کاربردی ۲۰. اصلاح برنامه‌های درسی توسط علوم انسانی‌ها ۲۱. حذف تصدی‌گری شورای عالی انقلاب فرهنگی
		۱. ارزیابی وضعیت موجود	۱. استعدادهای پارادایم‌ساز نداریم ۲. تعامل مطلوب وجود دارد ۳. اثربخشی کنشگران مرزی ۴. فقدان اعتماد به نفس و ضعف خروجی‌ها در کنشگران ۵. فریگی بوروکراسی ۶. فقدان بینش علوم انسانی ۷. فقدان ارتباط میان کنشگران ۸. فقدان بلوغ در کنشگران
8	ارتباط کنشگران علوم انسانی با جامعه	۲. راهکارهای بهبود ارتباط	۱. ارتباط خودجوش بدون دخالت نهادها و سازمان‌ها ۲. شکل‌گیری تعامل با توجه به اقتضات ۳. تقویت مسأله‌محوری در کنشگران ۴. تقریب زبان علم به زبان جامعه ۵. اصلاح رویه‌های نرم‌افزاری به جای سخت‌افزاری ۶. تقویت تجربه میدانی در حین آموزش و پژوهش ۷. اصلاح رتبه‌بندی‌ها بر اساس دیدگاه حل مسأله ۸. تشکیل روابط غیررسمی میان کنشگران ۹. بازنگری کنشگران در فعالیت‌های صوری ۱۰. لزوم تمرکز بلندمدت بر حوزه‌های تخصصی ۱۱. افزایش تاب‌آوری در مواجهه با رویکردهای مخالف
9	ترویج و همگانی‌سازی		۱. تربیت افرادی برای شناسایی مسأله ۲. وجود افراد میانجی برای ارتباط دانشگاه و جامعه ۳. نیازسنجی ۴. اصلاح نظام اشتغال ۵. تمرکز زدایی و برنامه‌ریزی محلی ۶. رعایت سلسله‌مراتب نظریه‌شناسی، نظریه‌پردازی و نظریه‌سازی ۷. تقریب زبان علم به زبان جامعه ۸. تربیت فعالان رسانه‌ای متخصص علوم انسانی

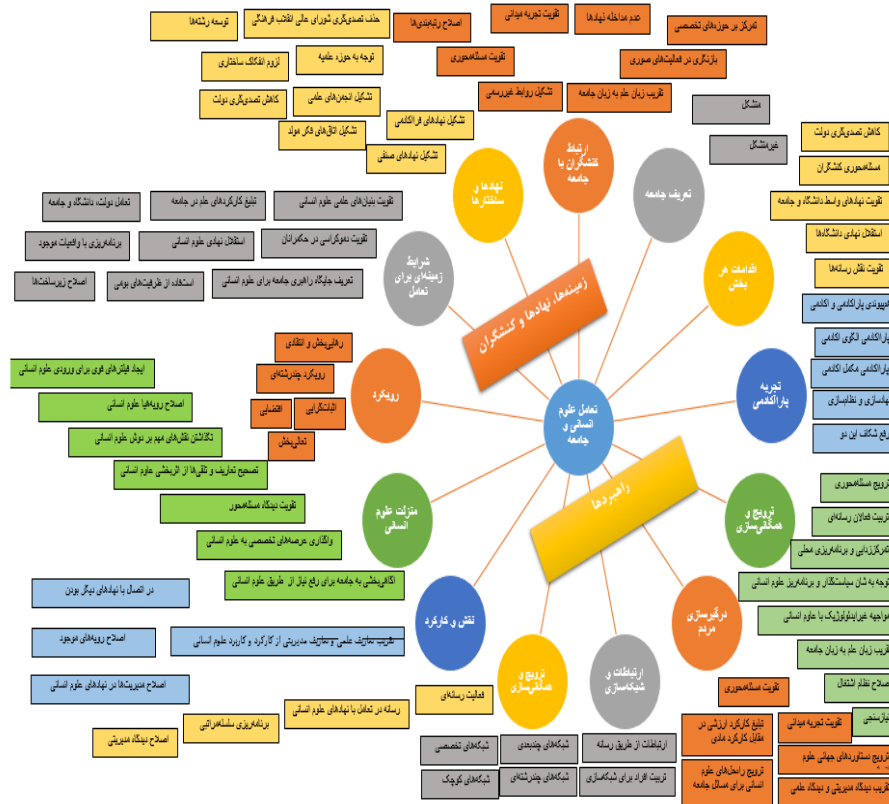
تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۸۳

ردیف	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
			<p>۹. اصلاح قوانین و ذهنیت‌ها در جهت کاهش پایین‌رتبگی علوم انسانی</p> <p>۱۰. توجه به دستاوردهای علوم انسانی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی</p> <p>۱۱. سرمایه‌گذاری مالی دولت در علوم انسانی</p> <p>۱۲. اصلاح دیدگاه مدیریتی درباره دانش کاربردی</p> <p>۱۳. سلب وجه ایدئولوژیک در برخورد با علوم انسانی</p>
10	ارتباطات و شبکه‌سازی	۱. ارزیابی وضع موجود	<p>۱. لزوم شبکه‌سازی</p> <p>۲. ضعف نظام آموزشی در ترویج کار تیمی</p> <p>۳. تخریب فرهنگ گعده‌نشینی سنتی</p> <p>۴. فریبگی نگاه سازمانی به جای نگاه خودجوش به شبکه‌سازی</p> <p>۵. ضعف ساختار سیاسی و روانی در شبکه‌سازی</p>
		۲. راهکارهایی برای شبکه‌سازی	<p>۱. شبکه‌های کوچک به جای شبکه‌های سراسری</p> <p>۲. ارتباطات از طریق رسانه</p> <p>۳. استفاده از ظرفیت شبکه‌های موجود</p> <p>۴. تربیت افراد برای شبکه‌سازی</p> <p>۵. لزوم چندرشته‌ای بودن شبکه‌ها حول مسائل اجتماعی</p> <p>۶. شبکه‌های چندبعدی متشکل از دانشجویان، اصناف، نهادهای مدنی</p> <p>۷. استفاده از ظرفیت نهادهای غیردانشگاهی</p> <p>۸. شبکه‌های تخصصی از طریق تعریف حوزه‌های تخصصی</p> <p>۹. اصلاح تعاریف و تلقی‌ها به‌عنوان مقدمه ارتباطات</p> <p>۱۰. تعامل دانشگاه با نهادهای اجرایی</p> <p>۱۱. حذف تصدی‌گری دولت در ایجاد شبکه</p> <p>۱۲. پذیرش نهاد علم انسانی توسط نهادهای دیگر</p>
11	درگیرسازی مردم	۱. ارزیابی وضعیت موجود	<p>۱. درگیری مردم با علوم انسانی در حالت اشباع</p> <p>۲. درگیری غیرمستقیم مردم با علوم انسانی</p> <p>۳. شکاف میان درگیری با مسائل اجتماعی و دانش اجتماعی و انسانی</p> <p>۴. فقدان استقلال نهادی</p>
		۲. راهکارهای افزایش	<p>۱. افزایش دیدگاه مسئله‌محور در علوم انسانی</p>

ردیف	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
		درگیرسازی	<p>۲. تقویت تجربه میدانی در آموزش و پژوهش</p> <p>۳. شناساندن و ترویج دستاوردهای جهانی علوم انسانی در جامعه</p> <p>۴. شناساندن مسائل جامعه و راه‌حل‌های علوم انسانی</p> <p>۵. تبلیغ بر کارکرد ارزشی علوم انسانی در مقابل کارکرد مادی</p> <p>۶. تقریب دیدگاه مدیریتی و دیدگاه علمی در ترویج علم</p> <p>۷. تقریب تلقی جامعه و علوم انسانی‌ها از کاربرد دانش</p>
12	خدمات مشاوره‌ای	۱. ارزیابی وضعیت موجود	<p>۱. در حد مطلوب وجود دارد</p> <p>۲. احساس نیاز شدید به علوم انسانی بر اثر تشدید بحران‌ها</p>
		۲. راهکارهای آشنایی با خدمات	<p>۱. فعالیت رسانه‌ای</p> <p>۲. رسانه در تعامل با نهادهای علوم انسانی</p> <p>۳. برنامه‌ریزی سلسله‌مراتبی</p> <p>۴. اصلاح دیدگاه مدیریتی در آشنایی جامعه</p>
13	سایراقدامات		<p>۱. لزوم استقلال نهادی دانشگاه</p> <p>۲. کاهش تصدی‌گری دولت</p> <p>۳. تقویت نقش رسانه در خدمت علوم انسانی</p> <p>۴. دولت به‌مثابه حامی علوم انسانی (در تولید و ترویج و هدایت و قانون‌گذاری)</p> <p>۵. تقویت دیدگاه مسأله‌محوری (جهت کارآمدی و اثربخشی علوم انسانی)</p> <p>۶. تقویت نهادهای واسط دانشگاه و جامعه اعم از رسانه‌ها و سمن‌ها و غیره</p> <p>۷. اتخاذ رویکرد بین‌رشته‌ای</p> <p>۸. تنظیم نظام جامع علمی کشور</p> <p>۹. شناخت عمیق علوم انسانی</p> <p>۱۰. تنظیم نظام جامع علمی کشور با تأکید بر نقش علوم انسانی</p> <p>۱۱. تعیین نقش هر یک از بازیگران در جریان یک برنامه‌ریزی جدی و واقعی</p> <p>۱۲. دانشگاه ایده محوری خود را روشن کند</p> <p>۱۳. رسانه ایده محوری خود را روشن کند</p>

ردیف	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
			۱۴. تسهیل‌گری دولت برای کنش سایر نهادها
			۱۵. تقویت و تسهیل‌کنشگری فعالان علوم انسانی
			۱۶. وحدت برنامه در نهادها و مراکز علوم انسانی
			۱۷. سطح‌بندی دانش در قالب اشاعه، تولید و کاربرد

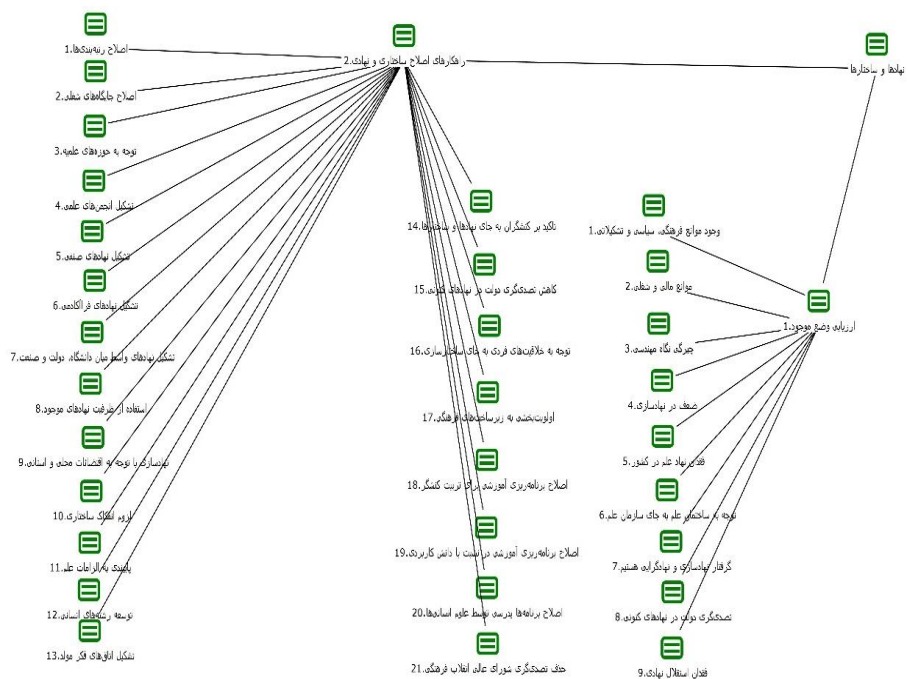
جدول شماره ۴ را می‌توان بر مبنای ساختار شبکه مضمونی نیز نمایش داد. شکل شماره ۲ شبکه مضامین تعامل علوم انسانی و جامعه را و ارتباط این مضامین را نشان می‌دهد.



شکل ۲. شبکه مضامین تعامل علوم انسانی و جامعه

Figure 2. Themes network of relation between humanities and society

در ادامه شکل‌های خوشه‌ای هر یک از کدهای انتخابی آمده است. به لحاظ محدودیت فضای مقاله صرفاً یک نمونه خروجی از نرم‌افزار maxqda ارائه می‌شود. شکل شماره ۳ شبکه مضامین «نهادهای و ساختارها» را نشان می‌دهد. (برای مطالعه تفصیل آن به گزارش طرح مراجعه شود)



شکل ۳. شبکه مضامین «نهادهای و ساختارها» از نگاه صاحب‌نظران علوم انسانی
Figure 3. Themes network of Institutions and structures

بحث و نتیجه‌گیری

مروری بر ادبیات موجود در داخل کشور حداقل پنج پروژه را در ارتباط با علوم انسانی بازنمایی می‌کند:

۱-اسلامی سازی علوم انسانی:

این مبحث از موضوع مطالعه ما خارج است. در سال‌های اخیر شاهد موج وسیعی از نوشته‌ها و گفته‌ها در این مورد مواجه بوده‌ایم. لذا نیازی به ورود تخصصی به این موضوع احساس نمی‌شود.

۲-بومی‌سازی علوم انسانی

دانش بومی در جامعه ادغام شده است و امری مستقل نیست تا به دلیل تمایزش از جامعه نیاز به تعامل با جامعه داشته باشد؛ اما دانش رسمی می‌تواند با میانجی دانش‌های بومی به جامعه نزدیک شود. موقعیت بافتار و دانش‌های برآمده از آن را بشناسد و برای آگاهی جامعه از علوم جدید از این دانش‌های فرهنگی به‌عنوان واسطه یا فرصت استفاده کند.

اما بومی‌سازی علوم انسانی غربی موضوع دیگری است. محققان به‌صورت مبسوط به این وجه از تعامل علم با جامعه بومی پرداخته‌اند؛ اما به‌روشنی تناقض‌های فلسفی و روشی این مفهوم را روشن نکرده‌اند. هم‌چنین بین علم بومی (درمرحله تولید) و بومی‌سازی علم (غربی) تمایز دقیقی قائل نشده‌اند. بیشتر نوشته‌ها این ایده را به‌صورت کلی به‌عنوان راهی برای برون‌رفت از خصلت برج عاجی علوم انسانی طرح کرده‌اند.

۳-کاربردی سازی:

ایده‌ای است با طرفداران وسیع و نوشته‌های متعدد. هرچند برخی زوایای آن تدقیق نشده است. این ایده در بین جامعه علمی کشور وجاهت خوبی کسب کرده است؛ اما خالی از چالش و ابهام نیست.

۴-توانمندسازی، مؤثر سازی و سرمایه‌گذاری روی علوم انسانی

این رویکرد هرچند تنها توسط انگشت‌شماری از مؤلفان مطرح‌شده اما به‌نوعی مکمل ایده سوم است. این ایده به بلوغ این رشته‌ها می‌اندیشد و معتقد است به دلیل جوان و نوپا بودن نباید از علوم انسانی توقع معجزه داشت. (Zakersalehi, 2017)

۵- تجاری سازی و فناوری سازی علوم انسانی

عمده نویسندگان ایرانی این ایده را نقد و از مشکلات و ظرایف آن سخن گفتند. یکی از مؤلفان (Ghobadi, 2017) نیز از واژه فناوری سازی علوم انسانی سخن گفته است. این رویکرد در معرض نقدهای بسیاری قرار داشته است.

جدول ۵. نقد ایده‌های موجود

Table 5. Critique of existing ideas

نقد ایده	ایده
<p>✓ مشکل عدم کفایت دانش سنتی و شفاهی برای حل مشکلات امروز بشر</p> <p>✓ این ایده تکلیف خود را با جهان‌شمولی و جهان‌وطنی بودن علم به‌دقت روشن نکرده است.</p> <p>✓ مسائل بومی هستند اما علم و فرآیند کار علمی خیر.</p> <p>✓ بسیاری از مسائل، عام و جهانی هستند و پاسخی جهانی می‌طلبند.</p> <p>✓ هر جامعه خاص می‌تواند تفسیری خاص از یک علم در مرحله‌ی کاربست داشته باشد. این با بومی شدن خود علم متفاوت است. اصول علم جهان‌شمول است.</p> <p>✓ صاحبان این ایده بین علم بومی و بومی‌سازی علم تفکیک نکرده‌اند.</p> <p>✓ بدون تقویت و تکمیل جنبه‌های عمومی و میانی علوم، بومی‌سازی بیهوده و عقیم است.</p>	ایده‌ی علم بومی، علوم انسانی بومی
<p>✓ تفکیک علوم انسانی اسلامی از علوم دینی روشن نیست. با این فرض که علوم انسانی اسلامی بشود.</p> <p>✓ روشن نیست که کدام بخش از علوم انسانی می‌تواند اسلامی شود؟ مسأله؟ روش؟ هدف؟ نتایج و کاربرد؟</p> <p>✓ معضل تبدیل علم به ایدئولوژی (تمایز این دو حوزه)</p> <p>✓ مشکل بی‌طرفی و عینیت و جهان‌شمولی علوم.</p>	ایده‌ی اسلامی سازی
<p>✓ علوم انسانی به انقیاد صاحبان ثروت و قدرت درآمده و مردم عادی و محرومان نادیده انگاشته می‌شوند.</p> <p>✓ علوم انسانی کالای متجسد تولید نمی‌کند.</p> <p>✓ علوم انسانی علاوه بر ثروت، معنا و ایده و سیاست تولید می‌کند.</p> <p>✓ جنبه‌های رهایی‌بخش علوم انسانی نادیده گرفته می‌شود.</p> <p>✓ جنبه‌های نقادانه علوم انسانی نادیده گرفته می‌شود.</p> <p>✓ بینش جامعه‌شناسی در حاشیه قرار می‌گیرد.</p>	تجاری‌سازی علوم انسانی- اجتماعی

نقد ایده	ایده
<p>✓ به مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری آکادمیک دامن می‌زند.</p> <p>✓ این ایده به تفاوت علوم انسانی با علوم تجربی بی‌اعتناست.</p> <p>✓ این نگاه ریشه در مهندسی اجتماعی و فرهنگی توسط دولت و نگاه بازاری به علم دارد.</p> <p>✓ اگر این ایده ناشی از دغدغه‌ی بخش خصوصی باشد خوب است اما چنین نیست.</p> <p>✓ تجاری شدن آزادی علمی و احیاناً اخلاق علمی را دچار مخاطره می‌کند.</p>	
<p>✓ میزان بهره‌برداری از دانش تولیدشده به ظرفیت جذب مخاطبان بستگی دارد.</p> <p>✓ صنعت مونتاژ و دولت توتالیتر نیاز جدی به علوم انسانی ندارد.</p> <p>✓ همان‌طور که تولید علوم انسانی نیازمند ساخت اجتماعی است، بهره‌برداری از آن نیز ساخت اجتماعی و بلوغ فرهنگی نیاز دارد.</p> <p>✓ این وظیفه‌ی بازار است که علوم را کاربردی کند با مکانیزم طبیعی بازار و بدون دخالت دولت.</p> <p>✓ علوم انسانی کارکردی است نه کاربردی.</p> <p>✓ کارکرد علوم انسانی گسترش فهم و تربیت شهروند خوب است.</p> <p>✓ وظیفه علوم انسانی گشودن راه برای جذب فناوری‌های جدید نیست بلکه تلفیق و رهبری جریان‌های دانش در جهت توسعه پایدار است.</p> <p>✓ علوم انسانی تغییر بنیادین ایجاد می‌کنند نه حل یک مشکل روزمره (پیشگیری نه درمان)</p> <p>✓ کاربردی شدن هر رشته از علوم انسانی با سایر رشته‌ها متفاوت است و نسخه واحدی ندارد.</p> <p>✓ این دیدگاه به نقش‌های فرهنگی و زیرساختی علوم انسانی کم‌اعتناست.</p>	<p>کاربردی شدن علوم انسانی- اجتماعی</p>
<p>✓ ایده موردقبول و مختار محقق است.</p> <p>✓ این ایده معتقد است علوم انسانی در ایران هنوز یک نهال نوپاست و باید برای بلوغ آن زیرساخت فراهم کنیم.</p> <p>✓ دولت سرمایه‌گذاری لازم روی این علوم نداشته است لذا نمی‌توان توقع معجزه داشت.</p> <p>✓ توسعه کمی باید به توسعه کیفی تبدیل شود.</p> <p>✓ این گام مقدم بر کاربردی سازی است زیرا ابتدا علوم انسانی باید داشته‌هایی برای عرضه فراهم کند. در این صورت خودبه‌خود وارد عرصه کاربرد هم می‌شود.</p> <p>✓ علوم انسانی از بی‌قدرتی رنج می‌برد. بنیان‌های علوم انسانی باید تقویت شود.</p>	<p>توانمندسازی، مؤثرسازی و سرمایه‌گذاری روی علوم انسانی</p>

منبع: پژوهش‌ها و یافته‌های نگارنده

اما پیشینه و ادبیات خارج از کشور کمتر با این چالش‌ها و ابهامات مواجه است. باملاحظه و دقت نظر در پیشینه و ادبیات موجود در خارج از کشور چهار الگو قابل استخراج است. این الگوها برای تعامل علوم انسانی به‌عنوان شاخه‌ای از علم با جامعه، هم به‌صورت بالقوه و هم در سطح اجرا و عمل وجود دارند.

الگوی اول. آن چیزی است که در ایران به نام «ترویج علم»^۱ ترجمه شده است. این‌جا می‌گوییم: ترویج علوم انسانی. به آن مدل کمبود یا مدل نقصان یعنی رفع نقصان دانش مردم هم می‌گویند. در حقیقت علم را ساده و رسانه‌ای بکنیم، آن‌قدر آن را ساده بکنیم که یک فهم همگانی از علم ایجاد شود. بحث‌های علمی به حوزه‌های عمومی کشانده شود. بخش دوم این است که جامعه بتواند علم را بپذیرد.

الگوی دوم. الگوی ارتباطات علم^۲ یا مدل گفتگویی، مدل شبکه‌ای است. این الگو روی ماهیت ارتباطی علم و به اشتراک گذاشتن علم با مردم و توجه به نیازها و گرایش‌های مردم تأکید می‌کند.

الگوی سوم. بحث درگیر کردن مردم با علم در عمل^۳ است. این الگو دنبال برساخته شدن فرهنگی اجتماعی خود علم است. در علم مداخله از پایین به بالا صورت می‌گیرد. مردم مشارکت جدی و حمایت عملی از علم دارند. از علم حمایت واقعی می‌کنند

الگوی چهارم. مشاوره‌ی علم^۴ است. این الگو جدیداً مطرح شده و به علوم انسانی نزدیک است. البته مایل ام واژه advisory را «صلاح‌اندیشی» ترجمه کنم هرچند در عربی می‌گویند: «مشاوره» این مشاوره، یک مشاوره‌ی سیستماتیک و یک اقدام حمایت‌گرانه بر پایه‌ی علم است که فقط در اختیار گذاردن دانش به سیاست‌گذار نیست. بلکه غیر از دانش چیزهای دیگر هم به او داده می‌شود. فقط انتقال دانش نیست. گاهی برای تغییر مداخله هم می‌کنیم. همان‌طور که مشاور روان‌شناس این کار را می‌کند، در مشاوره‌ی علم به معنای عام آن ممکن است مشاور حتی به سیاست‌گذار روحیه بدهد. در این الگو دو سؤال اصلی

-
1. Science promotion
 2. science communication
 3. engagement of public in science
 4. Science advisory

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۹۱

مطرح است: (۱) منابع کلیدی دانش و ارزش‌های مورد استفاده در تصمیم‌گیری کدام هستند؟ این بحث، بحث تصمیم‌گیری درست برای دولتمردان است، برای سیاست‌گذارانی که می‌خواهند برای رفاه مردم سیاست‌گذاری بکنند. (۲) چگونه این منابع دانش و ارزش‌ها در تصمیم‌گیری به نحوه درستی ادغام بشود؟ (Jarvis, B.2014)

همان‌گونه که ملاحظه شد در مورد این چهارالگو نیز از خبرگان پرسش کردیم.

هرچند تک‌تک خبرگان مشارکت‌کننده در این مطالعه نگاه سیستمی نداشتند اما شبکه مضامین کشف‌شده نوعی رویکرد سیستمی-کارکردی را نشان می‌دهد. از نظری‌ترین تا اجرایی‌ترین لایه‌ها را نیز دربر می‌گیرد. از چالش‌های نظری حول عدم امکان تحقق علوم انسانی در ایران آغاز می‌شود تا آنارشیسم تجربی و فقدان تجربه جامعه به معنای مدرن آن. گویی توده‌ای بی‌شکل و انبوه‌ایم. پس مسائل ما ابتدا ماهیت نظری و رویکردی و سپس ماهیت اجتماعی دارند. آسیب‌ها و مشکلات وضع موجود وسیع و پیچیده و متنوع‌اند. خود این چندوجهی بودن مشکلات گویای عدم توسعه‌یافتگی است. این مسائل نشان از فقدان زیست‌بوم و زیرساخت بنیادین برای توسعه این علوم و پیوند نظام‌مند آن‌ها با جامعه ایرانی است. تنش در روابط علوم انسانی و جامعه تحت تأثیر تنش بزرگتر در روابط کل علم با جامعه است؛ یعنی به تعبیر آلتوسری بجای یک مسأله با وحدت نظام یافته بین زنجیره‌ای از مشکلات مواجه‌ایم. از طرفی ضعف کنشگری اصحاب علوم انسانی را می‌توان از ناامیدی از شرایط عمومی کشور نیز منسوب کرد. کنش‌ها دگرگون ساز نبوده و نوعی انزوا و تفرد و کاهش مسئولیت اجتماعی نیز وجود داشته که محصول سرخوردگی‌ها و بی‌مهری به این علوم است.

خبرگان مشارکت‌کننده در این مطالعه نقش‌ها و کارکردهایی را برای علوم انسانی-اجتماعی فائلند و عمدتاً با نگاه کارکردگرایانه (شاید ملهم از پارسونز و مerton) معتقدند این کارکردها گاهی غلط و اشتباه (بدکارکرد) بوده و گاهی دچار وضعیت ناکارکردی^۱ می‌شوند. گویی علوم انسانی و جامعه انسانی هر دو باهم یک اندامواره وارگانیزم زنده‌اند که با هم به تعادل می‌رسند و رشد می‌کنند و نقش وظایف اعضایی خود را ایفا می‌کنند و نظمی جدید می‌آفرینند. اگر این ارتباط و هم-تطوری^۲ نباشد وضعیتی آنومیک و بی‌هنجار حاکم می‌شود. وظایف هر عضو به‌خوبی تحقق نمی‌یابد و کارکرد طبیعی (علوم انسانی) به افول

1. disfunction
2. co-evolution

می‌رود. این وضع به نظر خبرگان ریشه در شرایط نامساعد زمینه‌ای و تاریخی، ضعف منزلت و جایگاه علوم انسانی-اجتماعی، عدم پیوند آکادمی با پاراآکادمی و... دارد از سویی ضعف رابطه با حوزه سیاست‌گذار نیز بسیارمورد توجه خبرگان بود. همین وضع خود موجب ضعف وسستی و ظهور آسیب‌ها و نابسامانی‌های بعدی می‌شود.

ایده علم و جامعه خاص کشورهایی است که دارای پایگاه مستقر علم و فناوری هستند؛ بنابراین ما می‌توانسته‌ایم از مزیت عقب‌ماندگی خود استفاده کنیم و آزمون و خطا نکرده از همه تجارب (ترویج علم-ارتباطات علم-مشاوره علم و...) استفاده کنیم. حتی می‌توانیم الگوهای رایج را باهم ترکیب کنیم.

در این مطالعه، خبرگان مشارکت‌کننده به متن‌های مکتوب و سیاست‌های مصوب کمتر ارجاع داده‌اند، اما به ساختار، فرهنگ و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی توجه داشته‌اند. در مجموع، خبرگان، درک خوب و روشن و پیچیده‌ای از مسأله دارند. از آنجاکه نفس موضوع ماهیت پیچیده‌ای دارد، درک ساده و بسیط راهگشا نیست و همه ابعاد موضوع باید واکاوی شود. خوشبختانه این هدف حاصل شد و شبکه مضامین حاصله چندبعدی، متضلع و جامع است. مصاحبه‌شوندگان حتی خودارزیابی کنشگران برای رفع مشکلات درونی و خصلت برج عاجی علوم انسانی را از نظر دور نداشتند. استخراج بسته پیشنهادی برای اصلاح آموزشی تأییدکننده این نکته است.

پیشنهادهای مستخرج از این مطالعه را در دو بخش زیر ساماندهی و خلاصه کرده‌ایم:

الف- پیشنهادهای صاحب‌نظران در بخش پیشینه تحقیق

۱. روش و تولید علم:

- پرداختن به امر اجتماعی بجای فلسفه اجتماعی
- توجه به مسائل بنیادین‌تر در پژوهش‌های علوم انسانی
- پرهیز از نظریه‌سازی و نظریه‌آزمایی محض
- توجه به تجربه‌های عینی آکادمیک
- پرهیز از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده بدون تأمل و بحث (تأمل محوری به جای داده محوری)
- تأسیس پژوهشکده‌های کاربردی
- تلاش برای تأسیس مکتب جدید در علوم اجتماعی
- توسعه دانش میان‌رشته‌ای چند رشته‌ای، فرارشته‌های و گفتگو محور

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۹۳

- توسعه مطالعات مربوط به سبک زندگی
- پیوند دادن علوم انسانی با تاریخ و جامعه ایرانی و ویژگی‌های تاریخی آن و پرهیز از نگرش صرفاً قیاسی و نظری
- گسترش فضای اجتماعی طرح مسأله و کاربرد هوشمندانه ساخت اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم حساس
- شناسایی ظرفیت تک‌تک رشته‌های علوم انسانی برای حل مسائل جامعه
- نگاه به کارکردهای دیگر علوم انسانی از قبیل گسترش فهم در جهت تربیت شهروند خوب
- تقویت سنت نقد و خود انتقادی و آزاداندیشی و رهایی از ذهنیت‌های متصلب شخصی

۲. مدیریت و رهبری علوم انسانی-اجتماعی:

- اصلاح چرخه معیوب رابطه علم با نظام سیاسی از طریق پاسخگویی و حل مسأله
- طرح مسائل اجتماعی از بیرون نهاد علم به درون
- تدوین استراتژی پژوهش‌های علوم انسانی
- حمایت از پژوهشگران مستقل
- داشتن برنامه‌ای منسجم و مدون مانند برنامه ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا
- به حاشیه بردن جریان ضد علم و ضد پژوهش که در قالب رادیکالیسم اجتماعی و رادیکالیسم پژوهشی ظهور یافته است.
- خروج حوزه علم از تابعیت نهاد قدرت و سیاست (پرهیز از گسترش بروکراسی در علم
- ایجاد مؤسساتی که به علوم انسانی کاربردی گرنت بدهند مانند انجمن پیشبرد علم امریکا یا بنیاد ملی علوم
- توجه به مسائل بومی در عین عدم خدشه به اعتبار جهانی این علوم
- ارتقای دانش و فهم سیاست‌گذاران از علوم انسانی و روش‌های آن
- حذف مقررات بروکراتیک در پژوهش‌های پایه‌ای
- تحول نظام آموزش علوم انسانی از استاد محوری و سنت نقلی به سوی خلاقیت
- تحول ساختارهای مدیریتی علوم انسانی
- بازآموزی و دانش‌افزایی استادان این حوزه و فراهم کردن فرصت مطالعاتی در جامعه
- تسلط حاملان علوم انسانی بر تحولات جهانی علم

- تدوین معیارها و شاخص‌های راهبردی کشور از انحصار تکنو کراسی و نخبگان خارج شود
- تعمیق استقلال علمی و اداری دانشگاه‌ها و مؤسسات علوم انسانی
- تقویت نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در ایجاد ارتباط بین مراکز پژوهشی و کاربران
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین پژوهشگران با علائق یکسان
- ترویج نسخه‌ها و ترجمه‌های قابل فهم همگان از موضوعات علمی علوم انسانی
- ارائه تلفیق‌ها و جمع‌بندی‌های کلان از پژوهش‌های کوچک و پراکنده
- پرهیز از تنزل علوم انسانی به علوم تجربی (شیء‌گرایی و کالایی شدن)
- ورود علوم انسانی به مباحث توسعه و سیاست‌گذاری کشور
- کسب انتظارات بخش خصوصی و مردم از علوم انسانی
- کمک به بالا بردن توانایی مردم در استفاده بهینه از فناوری‌ها و قدرت جذب کاربران
- سرمایه‌گذاری جامعه و دولت روی علوم انسانی (نگاه زیرساختی)
- کاهش دخالت دولت در عرصه علم و علوم انسانی و میدان دادن به سازوکارهای حرفه‌ای (اولویت و نقش تنظیم‌گری و حمایت دولت)

۳. تقویت نقش و جایگاه علوم انسانی:

- توجه به نقش رهبری‌کنندگی و تلفیق‌کنندگی علوم انسانی برای جریانات دانش
- توجه به کارکردهای غیرمستقیم و فرهنگی علوم انسانی
- تقویت نقش علوم انسانی در پیشگیری از مشکلات اجتماعی (در مقابل درمان)
- توجه به نقش علوم انسانی در هویت بخشی به افراد و ارتقای سرمایه فرهنگی آنان
- اصلاح ساختار پذیرش دانشجو در رشته‌های علوم انسانی
- ارتقای جایگاه شغلی و درآمدی رشته‌های علوم انسانی و جذب دانشجویان نخبه

ب- پیشنهادات مستخرج از گفتگو با خبرگان

مجموعه پیشنهادها و راهکارهای این پژوهش از دیدگاه صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و اساتید علوم انسانی در خصوص توصیف وضعیت مطلوب به دست آمده است. در این بخش سعی شده است وضعیت مطلوب از نگاه مصاحبه‌شوندگان پژوهش با تفکیک موضوعی ارائه شود. این موضوعات شامل شش دسته عمده «ترویج علم»، «ارتباطات علم»، «درگیرسازی

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۹۵
مردم در علم» و «مشاوره به دولت و سیاست‌گذاران» و «اصلاح زیرساخت‌ها» و «اصلاح نظام
آموزشی» می‌شود.

ترویج علم:

- تعاریف علمی و تعاریف مدیریتی از کارکرد و کاربرد علوم انسانی، نیازمند بازنگری
برای اجماعی نسبی است. تا از این طریق تلقی‌ها و تعاریف از اثربخشی علوم انسانی
به شکلی مؤثر مشخص باشد. اکنون تعریف نهادها و افراد علمی با تعریف سطوح
مدیریتی کشور از اثربخشی و کاربرد علوم انسانی تفاوت‌ها و مرزهای بسیاری دارد؛
- تقویت دیدگاه مسأله‌محور؛
- ترویج علم برای علم (تقویت بنیان‌های علمی علوم انسانی)؛
- تلاش برای فهم علوم انسانی در دنیای مدرن؛
- پایبندی به الزامات علم؛
- تقویت مسأله‌محوری در کنشگران؛
- بازنگری کنشگران در فعالیتهای صوری و لزوم تمرکز بلندمدت بر حوزه‌های
تخصصی. این نکته نیازمند افزایش تاب‌آوری در مواجهه با رویکردهای مخالف است.

ارتباطات علم:

- بر لزوم تشکیل شبکه‌ای درون‌سازمانی برای علوم انسانی کشور تأکید می‌شود؛
شبکه‌ای که تابع اقتضائات زیر باشد:
۱. شبکه‌های تخصصی حول موضوعات و مسائل تخصصی تشکیل شود (لزوم
چندرشته‌ای بودن شبکه‌ها حول مسائل اجتماعی)؛
۲. از شبکه‌های کوچک و دوستانه شروع شود؛
۳. روابط غیررسمی و دوستانه افراد، تقویت شود؛
۴. انجمن‌های علمی پایدار تشکیل شود؛
۵. نهادهای صنفی پایدار و واقعی شکل بگیرد؛
۶. از ظرفیت نهادهای غیردانشگاهی استفاده شود (اتصال شبکه علوم انسانی
دانشگاهی به علوم انسانی بیرون دانشگاه (پاراآکادمی). شکاف میان این دو
نهاد و مرزبندی‌های این دو برداشته شود)؛

۷. علوم انسانی دانشگاهی، تجربه پاراآکادمی از حیث پویایی و فقدان بوروکراسی دانشگاهی، الگو قرار دهد؛
 ۸. توجه به حوزه‌های علمیه به‌عنوان منبع تولید و ترویج بخشی از علوم انسانی، توجه شود؛
 ۹. در ایجاد شبکه‌ها به نقش دانشجویان توجه بسیار شود (شبکه‌های چندبعدی متشکل از دانشجویان، اصناف، نهادهای مدنی)؛
 ۱۰. اصلاح تعاریف و تلقی‌ها به‌عنوان مقدمه ارتباطات؛
 ۱۱. تشکیل اتاق‌های فکر مولد (تینک تنک)؛
 ۱۲. تربیت افراد برای شبکه‌سازی.
- افزایش ارتباط نهاد علم با نهاد سیاست و بازار در جامعه. تعامل مثلث دولت، دانشگاه و جامعه؛

-لزوم انفکاک ساختاری و استقلال نهادی دانشگاه، از طریق:

۱. دانشگاه ایده محوری خود را روشن کند؛
۲. رسانه ایده محوری خود را روشن کند؛
۳. تسهیل‌گری دولت برای کنش سایر نهادها؛
۴. تشکیل نهادهای واسط میان دانشگاه، دولت و صنعت.

درگیرسازی مردم در علم:

۱. آگاهی‌بخشی به جامعه درباره رفع نیاز از طریق علوم انسانی؛
۲. تبلیغ و تقویت گفتمان کارکردهای علم در جامعه؛
۳. نهادسازی از طریق تقویت کارکردهای علم برای جامعه؛
۴. شکل‌گیری تعامل با توجه به اقتضات؛
۵. تقریب زبان علم به زبان جامعه؛
۶. شناساندن و ترویج دستاوردهای جهانی علوم انسانی در جامعه؛
۷. شناساندن مسائل جامعه و راه‌حل‌های علوم انسانی؛
۸. تبلیغ بر کارکرد ارزشی علوم انسانی در مقابل کارکرد مادی؛
۹. تقویت نقش رسانه در خدمت علوم انسانی از طریق تغذیه محتوای رسانه‌ای. این مهم از طریق تعامل رسانه با نهادهای علوم انسانی به دست می‌آید.

تعامل علوم انسانی-اجتماعی و جامعه: بررسی رویکردهای ...؛ ذاکر صالحی ۱۹۷

مشاوره علم به دولت و سیاست‌گذاران:

- اتخاذ رویکردهای مناسب علوم انسانی که به اقتضای شرایط/موقعیت‌ها/نیازها/مسائل باشد؛

- اصلاح رویه‌های موجود:

۱. اصلاح مدیریت‌ها در نهادهای علوم انسانی و واگذاری حوزه‌های تخصصی به علوم انسانی‌ها (اصلاح مدیریتی)؛

۲. واگذاری عرصه‌های تخصصی به علوم انسانی‌ها تعریف جایگاه راهبری برای جامعه؛

۳. استفاده از ظرفیت‌های بومی. نهادسازی و ساختارسازی با توجه به اقتضائات محلی و استانی.

- گذاشتن نقش‌های مهم بر دوش علوم انسانی و تبلیغ درباره آن؛

- تقویت نهادهای واسط دانشگاه و جامعه اعم از رسانه‌ها و سمن‌ها و پاراآکادمی. این نهادها در ترویج علوم انسانی به جامعه نقش میانجی را با زبانی همه‌فهم، ایفا می‌کنند؛

- تنظیم نظام جامع علمی کشور با تأکید بر نقش علوم انسانی. این برنامه بایست حاوی خصوصیتی باشد از جمله:

۱. نقش هر یک از بازیگران در جریان یک برنامه‌ریزی جدی و واقعی تعیین شود؛

۲. وحدت برنامه در نهادها و مراکز علوم انسانی؛

۳. سطح‌بندی دانش در قالب اشاعه، تولید و کاربرد؛

۴. برنامه‌ریزی سلسله‌مراتبی (علوم انسانی به‌عنوان راهبر و سیاست‌گذار کشور تلقی شود)؛

۵. توسعه رشته‌های انسانی.

اصلاح زیرساخت‌ها:

۱. اولویت‌بخشی به زیرساخت‌های فرهنگی به جای ساختارسازی اداری

۲. تقریب دیدگاه مدیریتی و دیدگاه علمی در ترویج علم

۳. کاهش تصدی‌گری دولت در نهادها و ساختارهای کنونی. ارتباط خودجوش بدون دخالت نهادها و سازمان‌ها

۴. تقویت دموکراسی در حکمرانان
۵. سرمایه‌گذاری دولت در علوم انسانی. دولت هزینه‌های علوم انسانی را به‌مثابه نوعی سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت بنگرد. برنامه‌ریزی با واقعیات موجود به جای ایده‌های مطلوب و در واقع دولت خود را حامی علوم انسانی (در تولید و ترویج و هدایت و قانون‌گذاری) بداند.
۶. اصلاح نظام اشتغال و نظام دستمزد در کشور برای اصلاح جایگاه‌های شغلی مرتبط با علوم انسانی. طوری که علوم انسانی دارایشان شغلی و شأن دستمزدی پست‌تر سایر حوزه‌های دانش تلقی نشود. همچنین اصلاح رتبه‌بندی‌ها بر اساس دیدگاه حل مسأله.

اصلاح نظام آموزشی:

۱. ایجاد فیلترهای قوی برای ورودی علوم انسانی؛
۲. اصلاح رتبه‌بندی‌ها و جایگزینی نگاه کیفی‌نگر به جای کمیت‌سنجی در حوزه علوم انسانی برای رتبه‌بندی علوم انسانی؛
۳. تأکید بر کنشگران به‌جای نهادها و ساختارها، توجه به خلاقیت‌های فردی به‌جای ساختارسازی؛
۴. اصلاح برنامه‌ریزی آموزشی برای تربیت انواعی از کنشگران علوم انسانی؛
۵. اصلاح برنامه‌ریزی آموزشی در نسبت با دانش کاربردی؛
۶. اصلاح برنامه‌های درسی توسط علوم انسانی‌ها؛
۷. حذف تصدی‌گری مراکز سیاست‌گذار مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
۸. اصلاح رویه‌های نرم‌افزاری به‌جای سخت‌افزاری؛
۹. تقویت تجربه میدانی در حین آموزش و پژوهش؛
۱۰. توسعه کیفی رشته‌های علوم انسانی.

تشکر و سپاسگزاری

از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که با حمایت مالی خود امکان انجام این پژوهش را فراهم کرد تقدیر و سپاسگزاری می‌شود. بخش میدانی و مصاحبه‌ها بارضایت پاسخگویان و حفظ امانت وعدم افشای اسامی آن بزرگواران انجام‌شده و در مسیر این فعالیت هیچ‌گونه تعارض منافی با دیگران وجود ندارد.

References

- Abercrombie, N, (2006) *The Penguin Dictionary of Sociology*. Fifth edition, Amazon.
- Antweiler, C, (1998). *Local knowledge and local knowing*. *Anthropos* 93(4-6)469-494. *Anthropology and culture*, at: <http://anthropology.ir/dictionary/9396.html>
- Bastien, B. J, (1999). *Blackfoot Wags of Knowing*: Indigenous Science, California Institute of Integral Studies.
- Biglan, A, Zettle, R. D, Hayes, S. C, & Barnes-Holmes, D. (2016). *The Future of the Human Sciences and Society*. *The Wiley Handbook of Contextual Behavioral Science*, 531-540.
- Cornell University. (2018). *Citizen Science*. Citizen Science Association, Retrieved from: <http://www.birds.cornell.edu/citscitoolkit>
- Dyre, lee. (2018). *Benefits of Citizen Science*. Earth Watch Institute, Retrieved from: <http://earthwatch.org/Research-Funding/Benefits-of-Citizen-Science>.
- European Commission, Working Group, (2018). *Horizon 2020: Science with and for Society*. European Commission. Retrieved at: <https://ec.europa.eu/programmes/horizon2020/en/h2020-section/science-and-society>.
- European Commission's Science and Technology Advisory Council, (2013). *Science for an Informed, Sustainable and Inclusive Knowledge Society*. Brussels. Available at http://ec.europa.eu/archives/commission_2010-2014/president/advisory-council/documents/stac_policy_paper_no_1_290813.pdf
- Ferguson, E. (2005). *Einstein, sacred science and quantum leaps: A comparative analysis of western science, native science and quantum physics paradigm*. University of Lethbridge, Canada.
- Freedman R. (1987). *The contribution of social science research to population policy and family planning program effectiveness*, *Stud Fam Plann*. 1987 Mar-Apr;18(2):57-82.
- Ghobadi.H. (2017). *Applied research in humanities*. interview, available at:
- Holm, P, Jarrick, A, Scott, D. (2015) *Humanities world report 2015*, Palgrave macmilan, at: <https://www.palgrave.com/gp/book/9781137500267>. <http://blogs.lse.ac.uk/impactofsocialsciences/2015/01/07/science-of-society-social-policy>.
- ICSU, Unesco, (2002). *Science and traditional Knowledge and Sustainable development*. ICSU Series on Science for Sustainable development. No4.

- Indigenous Corporate Training Inc, (2018). *What does Indigenous knowledge (IK) mean?* At: <https://www.ictinc.ca/blog/what-does-indigenous-knowledge-mean>.
- Jarvis, B. (2014). *A Question of Balance: New Approaches for Science Based Regulations. (Policy Brief Series, Science/Policy Interface 8)* Institute for Science, Society and Policy, University of Ottawa. Available at <http://issp.uottawa.ca/sites/issp.uottawa.ca/files/issp2014-spibrief8-sciencebasedregulations.pdf>
- Lees, R, & Lees, S. (1975). *Social Science in Social Work Practice: The Case for an Action Research Approach*. The British Journal of Social Work, 5(2), 161-174.
- Martin, B. (2006). *Strategies for alternative science*. University of Wisconsin Press, 2006, pp. 272-298.
- Michie, M. (2002). *Why indigenous Science Should be included in the Schood Science Curriculum*. Australian Science Teachers Journal, Jun 2002. 48, 2.
- oxford dictionary, at: https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/structure_2.
- Pihlström, S. (2011). *Are the human sciences of any use?* Helsinki Collegium for Advanced Studies, Helsinki.
- Scott, pe, (2000). *A tale of three revolutions?* science, society and the university.at: Higer education re-formed, Falmer press.
- Snively. G. & Corsiglia. J, (2001). *Discovering indigenous Science: implications for Science education. Science Education*. Jan 2001. Vol.85. P:6.
- ST.JOHN'S Department, (2011). *Senior Seminar for Spring 2011*. The Humanities and Public Life.
- The LSE Public Policy Group and SAGE, (Eds). *Impact the social sciences*. at: <https://onlinecertificatecourses.lse.ac.uk/presentations/lp/lse-public-policy-analysis-online-certificate-course>
- Vieira, P, (2014). *What Are the Humanities For?* At: <https://lareviewofbooks.org/article/humanities>.
- Wimmer, R.D and Dominick.J. (2013). *mass media research, cengage lerning, translator*. Kawos Seyedemami, Tehran, Soroush pub (in Persian).
- Work Program of the Horizon (2020). at; <https://ec.europa.eu/programmes/horizon2020/en/h2020-sections-projects>.
- Zakersalehi, Gh. (2017). *Empowermet of humanities in Iran*, at:introduction to applied humanities, editor:zahra hayati, Research institute of humanities and cultural studies, Tehran (in Persian).